

هدایان راه

درس‌نامه‌ی ارتباط منتظر و امام عصر (عج)

سید محمد افشین فر

۵

مجموعه
کتاب‌های
ابرو آفتاب



بِسْمِ اللَّهِ الرَّحْمَنِ الرَّحِيمِ

هزاران راه

درس‌نامه‌ی ارتقاء منتظر و امام عصر (عج)

مجموعه
کتاب‌های
اسیر و آفتاب

۵

عنوان: مسرتان راه
دريسر نامدي بر انجمنه منقذ قلم
و اسمام عسصر كسج
تويسنده: سند محمد افندين قمر
تهيه: مركز فرهنگي تبليغي آينده سازان
ناشر: بقية العترة
ويرايش گر: مجيد فياضي
طراح جلد: محمد حمود شاد
نوبت چاپ: اول / سنه ۸۹
شمسارگان: ۳۰۰ نسخه
قيمت: ۱۹۰۰ تومان

مركز فرهنگي تبليغي آينده سازان
آدرس: قم / خيابان شهيد فاطمي
(دور شهر) / كوي ۱۵ / پلاک ۱۵
تلفن: ۰۲۵۱-۷۷۳۱۲۴۷/۷۸۳۱۲۱۲
دورنگار: ۰۲۵۱-۷۷۴۹۳۱۰
كد پستي: ۳۷۱۵۶-۵۵۳۳۳



فهرست

پیش درآمد	۹
طلیعه	۱۱
درس اول: فضیلت‌های منتظر	۱۳
سرآغاز	۱۵
فضیلت‌های منتظر	۱۵
خودآزمایی	۲۱
برای مطالعه بیشتر	۲۱
درس دوم: چرا این همه فضیلت؟	۲۳
سرآغاز	۲۵
علت اول: فرصت خودنمایی	۲۵
علت دوم: آدم‌ها را با آرزوهایشان بشناسید!	۲۶
علت سوم: پرواز به سوی او	۲۶
خودآزمایی	۲۸
برای مطالعه بیشتر	۲۸
درس سوم: تو را این گونه می‌خواهم	۲۹
سرآغاز	۳۱
شرایط منتظران	۳۲
شرط اول: بینش عمیق	۳۲
الف - بینش عمیق نسبت به حق تعالی	۳۲
ب - بینش عمیق نسبت به امام علیه‌السلام	۳۴
مقامات اهل بیت علیهم‌السلام از نگاه اهل بیت	۳۶
ج - بینش عمیق نسبت به انسان و هستی	۳۷
شرط دوم: خوار «او» شو تا سلیمان‌ت کند (بندگی)	۳۸
شرط سوم: اجر رسالت (پایداری در محبت)	۴۰
شرط چهارم: پا در رکاب (اطاعت)	۴۳
شرط پنجم: گمرک شخصی (تقوا)	۴۴

۴۷	شرط ششم: دریا باش! (صبر و بردباری)
۴۹	شرط هفتم: ساخت و ساز (تربیت منتظران راستین)
۵۰	شرط هشتم: نجوا (مناجات منتظران)
۵۰	الف - دعا برای سلامتی حضرت
۵۱	ب - دعا برای تجدید عهد با حضرت
۵۲	ج - دعا برای ظهور حضرت
۵۴	د - در آرزوی همراهی حضرت بودن
۵۶	خودآزمایی
۵۶	برای مطالعه بیشتر
۵۷	درس چهارم: رنج و گنج
۵۹	سرآغاز
۵۹	انتظار امام از شیعیان در حوزه‌های مختلف
۵۹	اول: حوزه امور شخصی
۶۱	دوم: حوزه امنیت اقتصادی
۶۱	سوم: حوزه امنیت اجتماعی
۶۲	وظایف گروه‌های مختلف
۶۲	۱. وظایف علما
۶۳	۲. وظایف دانشجویان
۶۳	۳. وظایف مستمعان
۶۴	۴. وظایف کهنسالان
۶۵	۵. وظایف جوانان
۶۶	۶. وظایف زنان
۶۷	۷. وظایف ثروتمندان
۶۸	۸. وظایف مستضعفین
۶۸	۹. وظایف حاکمان و فرماندهان
۶۹	۱۰. وظایف نیروهای نظامی
۶۹	۱۱. وظایف توده مردم
۷۰	دیگر وظایف منتظران
۷۳	خودآزمایی
۷۳	برای مطالعه بیشتر

درس پنجم: گفتا تو خود حجابی!	۷۵
سرآغاز.....	۷۷
اهل بیت علیهم السلام مشتاق دیدار مهدی موعود عجل الله تعالی فرجه ...	۷۸
قسمت اول: امکان زیارت.....	۷۸
۱. دلیل عقلی.....	۷۸
۲. دلیل نقلی.....	۸۰
۳. دلیل عینی.....	۸۱
الف - نقل تشرفات.....	۸۲
ب - آثار صادره از ناحیه مقدسه در عصر غیبت کبری.....	۸۲
قسمت دوم: نفی نیابت.....	۸۳
خودآزمایی.....	۸۶
برای مطالعه بیشتر.....	۸۶

پیش درآمد

مهدویت و نیاز به منجی ملموس‌ترین موضوع زندگی بشر امروز است. امید به نجات و رهایی از اضطراب‌ها، افسردگی‌ها، جنگ‌ها، استعمار نوین و... وجه مشترک انسان هزاره سوم می‌باشد. گرایش اقوام و ملل به موعود آخرالزمان سوالات بسیاری را در ذهن‌ها طرح کرده است. تفکر در این پرسش‌ها مبدأ حرکتی مبارک در زندگی انسان است.

پرسش از مهدی آخرالزمان عجل الله تعالی فرجه الشریف در میان جوانان و نوجوانان دلیل بر آگاهی، رشد و عمق روحی ایشان می‌باشد. در پاسخ به پرسش جوانان و نوجوانان در این عرصه، لزوم نگاه کاربردی و تفکرمحور در موضوع مهدویت احساس می‌شود.

معاونت پژوهش مرکز فرهنگی - تبلیغی آینده‌سازان بر آن شد تا با کنکاش در سوالات و دغدغه‌های مهدوی دانش‌آموزان مقطع دبیرستان، به بازکاوی در موضوعات مهدوی بپردازد. مجموعه کتاب‌های ابر و آفتاب شامل شش اثر در موضوع مهدویت است که محصول تلاش پژوهشگران این مرکز می‌باشد. این کتاب‌ها که در قالب درسنامه تألیف شده‌اند عبارتند از:

۱. آرزویی برای همه، درسنامه منجی‌باوری در ادیان و آیین‌ها، مؤلف: محمدصادق منتظری، با همکاری امیرمحسن عرفان.
۲. پله اول آسمان، درسنامه معرفت امام عصر عجل الله تعالی فرجه الشریف، مؤلف: حمیدرضا اسلامیه.
۳. روزهای ابری، درسنامه غیبت امام عصر عجل الله تعالی فرجه، مؤلف:

حامد وحیدی.

۴. نردبان آسمان، درسنامهٔ انتظار امام عصر عجل الله تعالی فرجه الشریف، مؤلف: محمد صادق منتظری.

۵. مردان راه، درسنامهٔ ارتباط منتظر و امام عصر عجل الله تعالی فرجه الشریف، مؤلف: سید محمد افشین فر.

۶. دولت خدا، درسنامهٔ پیامدهای جهانی سازی و ضرورت تشکیل حکومت جهانی حضرت مهدی عجل الله تعالی فرجه الشریف، مؤلف: امیر محسن عرفان.

در پایان از کلیهٔ پژوهشگران و دست‌اندرکاران تدوین و آماده‌سازی، چاپ و نشر این اثر تشکر و قدردانی می‌شود.

مرکز فرهنگی - تبلیغی آینده‌سازان

فروردین ۸۹

طلیعه

میل‌ها و نفرت‌ها و دوستی‌ها و دشمنی‌های بشر، همگی نشان از آن دارد که آدمی موجودی اجتماعی است. گریه‌ها و خنده‌های این موجودِ دوپا هم دلیل بر تلاش او برای ارتباط با جهان هستی می‌باشد. رابطهٔ انسان منتظر با ولی غایب از نظر نیز در پرتو چنین قانونی شکل می‌گیرد. بی‌تردید رابطهٔ انسان با امام رابطه‌ای دوسویه می‌باشد و این کشش و جذبۀ هم از سوی امام نسبت به شیعه و هم از طرف شیعه نسبت به امام است. «مردان راه» بر آن است تا به ویژگی‌های منتظر، رابطهٔ امام و منتظر و وظیفهٔ منتظران راستین بپردازد. ضمن آنکه در این درسنامه از روایات اهل بیت علیهم السلام بسیار بهره گرفته شده است، چرا که مطالعهٔ کلمات نورانی آن بزرگان، بهترین راهکار کشف توقعات ایشان از یاران آخرالزمانی خویش می‌باشد.

درس اول
فضیلت‌های منتظر

آنچه در این درس می‌خوانیم:
_ فضایل منتظران

سراغاز

آنان که گام در راه انتظار نهادند، راهی پر فراز و نشیب را انتخاب کرده‌اند. انتظار به معنای عمل در جاده عبودیت و بندگی خدا، فضیلت‌آفرین و تعالی‌بخش زندگی فردی و اجتماعی است. شرط بندگی پذیرش ولایت اولیاء الهی است که این پذیرش، وظیفه سنگینی را به همراه دارد. کسانی که در جاده ولی خدا به استقامت پرداختند و در راه تحقق اراده امام معصوم سختی‌ها و مشقت‌ها را به جان خریدند، به اجری عظیم و فضیلتی افزون دست یافته‌اند. در این درس به صورت خلاصه به بعضی از فضائل منتظران اشاره می‌شود.

فضیلت‌های منتظر

فضیلت اول: معیار ارزش‌گذاری

شیعه ارزش و اعتبار خود را چقدر می‌داند؟ یا نه، این‌گونه پرسیم که او ارزش و اعتبار خود را در چه می‌داند و معیار ارزش‌گذاریش چیست؟

«إِنَّ أَهْلَ زَمَانٍ غَيْبَتِهِ الْقَائِلِينَ بِإِمَامَتِهِ وَ الْمُنْتَظِرِينَ لِظُهُورِهِ عَجَّلَ اللَّهُ تَعَالَى فَرَجَهُ الشَّرِيفَ أَفْضَلَ مِنْ أَهْلِ كُلِّ زَمَانٍ لِأَنَّ اللَّهَ تَعَالَى ذِكْرُهُ أَعْطَاهُمْ مِنْ الْعُقُولِ وَ الْأَفْهَامِ وَ الْمَعْرِفَةِ مَا صَارَتْ بِهِ الْغَيْبَةُ عِنْدَهُمْ بِمَنْزِلَةِ الْمَشَاهِدَةِ...»^۱

۱. شیخ صدوق، کمال الدین و تمام النعمة، ج ۱، ص ۲۲۰.

مردم زمان غیبت، آنان که به امامت او معتقد و منتظر ظهور او هستند، از مردم همه زمان‌ها برترند، زیرا خداوند عقل و فهم و معرفتی به آنها داده است که غیبت در نزد آنها به منزله مشاهده است...

نکته:

۱. ایمان به امامت حضرت و منتظر ظهور ایشان بودن ملاک فضیلت و برتری بر مردم همه زمان‌هاست.
۲. ظرفیت عقل و وسعت فهم منتظران حضرت تا حدی است که گویی امام خود را می‌بینند و صحبت‌هایش را می‌شنوند.

فضیلت دوم: گرمای حضور

خوبان عالم چه آرزویی می‌توانند داشته باشند؟ نیکان عالم دوستدار آن هستند که در مهمترین وقایع جهان در کنار تأثیرگذارترین شخصیت بزرگ‌ترین واقعه تاریخ باشند؛ آنان برای رسیدن به چادر فرماندهی رقابت می‌کنند!

امام صادق علیه‌السلام بشارتی برای ما آورده‌اند که:

«مَنْ مَاتَ مِنْكُمْ عَلَى هَذَا الْأَمْرِ مُنْتَظِرًا لَهُ، كَانَ كَمَنْ هُوَ فِي الْفُسْطَاطِ الْقَائِمِ»^۱

هرکس از شما از دنیا برود، در حالی که منتظر این امر است، مانند کسی است که در خیمه‌گاه آن حضرت است.

توجه: هیچ‌کس برای تماشا و استراحت به چادر فرماندهی راه داده نمی‌شود!

۱. شیخ صدوق، کمال‌الدین و تمام النعمة، ج ۲، ص ۶۴۴

فضیلت سوم: خوشا آنان که دائم در نمازند

برای دل سپرده وصال، مهم رسیدن به مقصود است و صورت برایش اهمیتی ندارد؛ در واقع هر آنچه دوست می‌پسندد، او نیز دوست دارد. حضرت باقرالعلوم علیه‌السلام می‌فرماید:

«وَأَعْلَمُوا أَنَّ الْمُنْتَظِرَ لِهَذَا الْأَمْرِ لَهُ مِثْلُ أَجْرِ الصَّائِمِ الْقَائِمِ...»^۱

بدانید که همانا پاداش منتظر امر ظهور، همانند پاداش روزه‌دار شب‌زنده‌دار است... .

فضیلت چهارم: هر کجا یار است، آنجا دل‌گشا است!

همه افراد می‌خواهند دوست و همنشین بهترین انسان‌ها شوند ولی بهترین انسان‌ها دوستان زیادی نمی‌توانند داشته باشند، چون کمتر کسی به قد و قواره آنان پیدا می‌شود. اما در اندیشه تشیع یأس راه ندارد، چرا که رسول اعظم صلی الله علیه و آله کسانی را که در عصر سرد غیبت، پویا و پرتکاپو به انتظار امام نور بایستند، این‌گونه توصیف می‌کنند که:

«... أَوْلِيكَ رُفَقَائِي وَ أَكْرَمُ أُمَّتِي عَلَيَّ»^۲

ایشان رفقای من و گرامی‌ترین افراد امت من هستند.

فضیلت پنجم: جاده و اسب مهیاست بیا تا برویم!

در میان مردم دنیا منتظران موعود کم نیستند، اما خصوصیات موعود

۱. شیخ کلینی، کافی، ج ۲، ص ۲۲۲.

۲. شیخ صلوق، کمال الدین و تمام النعمة، ج ۱، ص ۲۸۶.

هر فرقه‌ای براساس خواسته‌های ایشان متفاوت است. گروهی به انتظار یک مهندس عمران تمام عیارند! عده‌ای خواهان بزرگترین رئیس بانک دنیا - که البته مهربان و سخاوتمند است - هستند! بعضی منتظر عادل‌ترین قاضی دنیا و ... در این میان، شیعه تصویر واضحی از موعود از جهت صفات اخلاقی و رفتاری، اهداف و برنامه‌های پس از ظهورش دارد و منتظران این موعود، برای رسیدن به اهداف بلند مولای خود از هیچ کوششی دریغ نمی‌کنند و هیچ مانعی در نظرشان آنقدر تأثیرگذار نیست که از حرکت بایستند.

آنان روحیه‌ای جهادی دارند و مگر می‌شود تربیت‌شدگان مکتب حماسه، جهاد را نادیده بگیرند؟! رسول عظیم‌الشان صلی الله علیه و آله می‌فرمایند:

«مَنْ لَمْ يَغْزِرْ وَ لَمْ يَحْدَثْ نَفْسَهُ بِغَزْوَةٍ مَاتَ عَلَى
شُعْبَةٍ مِنَ النِّفَاقِ»^۱

آنکه جهاد نکرده و اندیشه جهاد را نیز در دل خود نپرورده باشد، با نوعی از نفاق خواهد مرد.

پس می‌توان نتیجه گرفت که «اسلام از جهاد و لااقل آرزوی جهاد جداشدنی نیست.» همچنین از جمله فضایی که برای منتظران برشمرده شده، این است که ایشان مانند کسانی‌اند که به همراه پیامبر اکرم صلی الله علیه و آله در راه خدا به جهاد برخاسته‌اند.^۲

فضیلت ششم: بالاتر از همه نیکی‌ها!

در میان مذهبی‌ها کمتر شنیده‌ایم که کسی از زندگی در این عصر

۱. شهید مطهری، مجموعه آثار ج ۲۴، مقاله شهید، ص ۴۵۶.

۲. شیخ صدوق، کمال‌الدین و تمام النعمه، ج ۱، ص ۳۱۷.

اعلام رضایت و شادی کند. اغلب آرزو دارند که حیات‌شان مصادف با زمان حضور یکی از ائمه اطهار علیهم السلام می‌شود! اما با مطالعه‌ای سطحی می‌توان دریافت که درک این عصر (غیبت)، آرزوی اولیای بزرگ خداوند - تبارک و تعالی - بوده است. پس منشأ این عدم رضایت چه می‌تواند باشد؟ در پاسخ می‌توان گفت:

الف - تصور عمومی از غیبت صحیح نیست. ظهوری با آن اهداف عالی، در وضع فعلی جامعه ناچار از غیبت است و غیبت نباید جدای از فرآیند ظهور دیده شود.

ب - همه افراد حاضر در عصر غیبت یکسان نیستند. بنابراین غیبت برای عده‌ای فرصت بسیار خوبی است، هرچند برای عده‌ای تهدید بزرگی است. عصر غیبت ایمانی راسخ و دلی پولادین می‌طلبد تا موانع، انسان را خسته نکند و چرب و شیرین زندگی آدمی را نلغزاند. در خارج شدن از میدان نبردی که خودی و غیرخودی در پس غبارها قابل تشخیص نیست و مهم‌تر آنکه نیت گروه حمایت‌کننده شفاف نیست و سخت‌تر آنکه میدان نبرد، محدود به مکان و زمان خاصی نمی‌باشد! به راستی پاداش سربلندان از این میدان چه می‌تواند باشد؟

حضرت زین‌العابدین علیه‌السلام در پاسخ به این سؤال می‌فرمایند:

«مَنْ ثَبَّتَ عَلَيَّ مَوْلَاتِنَا فِي غِيْبَةِ قَائِمِنَا أَعْطَاهُ اللَّهُ

عَزَّوَجَلَّ أَجْرَ أَلْفِ شَهِيدٍ مِنْ شُهَدَاءِ بَدْرٍ وَ أَحَدٍ»^۱

هرکس بر دوستی ما در دوران غیبت قائم ما ثابت و استوار بماند، خداوند پاداش هزار شهید از شهیدان بدر و احد را به او ارزانی می‌دارد.

نکته:

۱. اهداف عالی ← وظیفه سنگین ← تحمل سختی‌ها ←
تحقق اراده حضرت صاحب الامر علیه السلام ← پاداش ویژه
۲. بدر و احد از مهمترین جنگ‌های صدر اسلام بودند. شاید شکست در آنها مساوی با پایان یافتن همه چیز برای مسلمین محسوب می‌شد، بنابراین موقعیت ویژه‌ای داشته‌اند. بیش از هفتاد آیه قرآن به این دو نبرد پرداخته است.

خودآزمایی

۱. چگونه غیبت نزد ما به منزله مشاهده خواهد شد؟
۲. آیا ارتباطی بین این شش ویژگی منتظران ظهور می‌توان یافت؟
۳. اگر بخواهید مهم‌ترین فضیلت را مشخص کنید، کدام را انتخاب می‌کنید؟
۴. منتظر، بدون روحیه جهادی دچار چه مسائلی خواهد شد؟
۵. برای انسان در شرایط معمول زندگی چگونه باید روحیه جهادی ایجاد شود؟
۶. نشانه‌های وجود و فقدان این روحیه چیست؟
۷. آیا امکان ثابت‌قدم ماندن در این شبِ تاریک، بدون حرارت محبت و مودت خاندان رحمت، وجود دارد؟

برای مطالعه بیشتر

- درسنامه مهدویت، خدامراد سلیمیان، مرکز تخصصی مهدویت، قم، جلد دوم.
- تنها راه، عاطفه احمدی سعدی، سمیه فرزادفرد، مرکز تخصصی مهدویت، قم.

درس دوم
چرا این همه فضیلت؟

آنچه در این درس می خوانیم:
- اهمیت و جایگاه منتظران

سراغاز

وقتی کسی از جایگاه، ارزش و فضائل منتظران مطلع شود، حتماً این سؤال به ذهنش خطور می‌کند که «این همه فضیلت و پاداش به چه دلیل؟!»

در مورد اهمیت جایگاه منتظر و فضیلت منتظران علل مختلفی ذکر شده است که در این درس به چند مورد از آنها اشاره می‌گردد.

علت اول: فرصت خودنمایی

هر مکتب و مذهبی برای خود اهداف و ارزش‌هایی دارد که به نوعی، خط قرمزهای آن مکتب را مشخص می‌کند و میزان پایداری و پایبندی به این اصول است که جایگاه شخص را تعیین می‌کند. در مکتب حقه تشیع، «ولایت»^۱ رکن اساسی است که استقامت اعتقادی و عملی بر این اصل نشانگر بسیاری از حقایق درونی افراد است. در این خصوص مطالب خطبه نورانی غدیر به تنهایی کافی و گویاست. از سوی دیگر، «انتظار» با همان معنایی که در درس پیشین ذکر شد، میدان ابراز و تداوم ارتباط با ولایت است. به طوری که کیفیت انتظار، عیار اعتقاد به «ولایت» را در ما مشخص می‌کند. پس آنچه به عنوان فضیلت برای امر مهمی مانند «ولایت» ذکر شده، دور از ذهن نیست، چرا که انتظار حلقه اتصال شیعه با امام معصوم علیه‌السلام و ولایت اوست.

۱. توضیح کامل واژه ولایت، نیاز به شرح در یک کتاب مستقل دارد.

علت دوم: آدم‌ها را با آرزوهایشان بشناسید!

تا به حال کسی را دیده‌اید که قلم و کاغذ بردارد و آرزوهایش را بنویسد؟ یا تا به حال چند نفر آدم بالغ و عاقل را دیده‌اید که آرزوهایشان را به راحتی بگویند؟ چرا افراد معمولاً آرزوهایشان را نمی‌گویند؟ یک پاسخ این است که گاهی آرزوها آن قدر سطح پایین یا دور از واقع و تخیلی است که خود آرزوکننده هم از داشتن آن شرم می‌کند و یا خنده‌اش می‌گیرد!

به هر حال، یکی از راه‌های شناخت تکامل عقلی و روحی افراد همین آرزوهاست. با این چند ملاک می‌شود میزان ارزش آرزوها را ارزیابی کرد:

۱. قابل دسترسی است یا توهمی و تخیلی؟

۲. عاقلانه است یا از روی نادانی و سبک‌سری؟

۳. آسمانی (متعالی) است یا خاکی؟

۴. خودخواهانه است یا عمومی و عام‌المنفعه؟

۵. خداوند کجای آن آرزو قرار دارد؟

۶. آرزوکننده چه کاری برای آن آرزو کرده است؟

حال اگر ظهور و وصال ولی عصر عجل الله تعالی فرجه الشریف یک آرزو

باشد، این آرزو کدام‌یک از این ملاک‌ها را داراست؟

با کمی دقت به این نتیجه می‌رسیم که چون انسان منتظر در انتظار

ارزشمندترین امید و عاقلانه‌ترین تدبیر، یعنی ظهور موعود آخرالزمان

می‌باشد، پس جزء والاترین انسانهاست.

علت سوم: پرواز به سوی او

انتظار جاده‌ای پر کشش و حرکت‌زا می‌باشد. هرگاه ویژگی‌های منتظر

واقعی در آدمی قرار گیرد، حیات تازه‌ای در او دمیده می‌شود و به پویایی

فرد و در نتیجه جامعه می‌انجامد که این پویایی و اصلاح، ثمره آن انتظار است.

نکته قابل توجه آنکه ظهور یک فرایند است و نه یک اتفاق؛ فرایندی که در دل انتظار تحقق می‌یابد. انتظار نیز حادثه‌ای یکباره نیست، بلکه جریان سیال و مداومی در طول تاریخ است. تلاش‌های نواب اربعه، حرکت‌های رشدهندهٔ مصلحان مخلص و تک‌تک فعالیت‌های مردان و زنان جامعه، در فرایند ظهور مؤثر است. گاه انجام عمل یا بروز یک احساس، ظهور را نزدیک می‌کند و گاه رفتارها و عاطفهٔ آدمی در تأخیر ظهور تأثیرگذار است.

نکته:

از علل مذکور برداشت می‌شود که:

۱. منتظر با رعایت شرایط انتظار، به همان ترقی و رشدی می‌رسد که دین از او توقع دارد. بنابراین، غیبت خللی در حرکت صعودی بنده به سوی خدا وارد نمی‌کند.

۲. آنان که حلاوت طلوع و ظهور خورشید عالم‌تاب ولایت را نظاره‌گر می‌شوند، باید قدرشناس رادمردانی باشند که سختی‌ها و زحمات زمستان سخت غیبت را با جهاد علمی و عملی سپری کردند.

۳. اینکه آدمی در شکوه‌مندترین واقعهٔ تاریخ بشر حاضر باشد یا نباشد مهم نیست. آنچه مهم است، وقوع آن حادثه است و اینکه آدمی تا وقتی که در این دنیا است، برای آن تلاش کند.

خودآزمایی

۱. جایگاه و گسترهٔ واژه «ولایت» در اسلام چیست؟
۲. پاسخ شما به سؤال «چرا این همه فضیلت برای انتظار» چیست؟

برای مطالعهٔ بیشتر

- انتظار؛ بایدها و نبایدها، ابراهیم شفیع‌ی سروستانی، موسسهٔ فرهنگی موعود، تهران.
- استراتژی انتظار، اسماعیل شفیع‌ی سروستانی، موسسهٔ فرهنگی موعود، تهران. جلد اول و دوم.

درس سوم
تو را این‌گونه می‌خواهم

آنچه در این درس می‌خوانیم:
- بایسته‌های منتظر

سرآغاز

در درس پیش برخی از ویژگی‌های منتظر بررسی شد و در این درس شرایط و بایسته‌های منتظر بررسی می‌شود. البته این شرایط اختصاص به زمان غیبت ندارد و اصل پیوند با امام علیه‌السلام را تبیین می‌نماید، اگرچه فراهم آمدن شرایط و بایسته‌های پیوند با امام علیه‌السلام در زمان غیبت بسیار مهم‌تر و سخت‌تر از زمان حضور ایشان می‌باشد.

دیده‌ای خواهیم که باشد «شه» شناس

معرفت، زیربنایی‌ترین ویژگی یاران و منتظران امام مهدی علیه‌السلام است. اما «معرفت» به چه معنا؟ واژه «معرفت» در هنگام ترجمه غالباً به «شناخت» معنا می‌شود. اما به قرینه روایاتی که این واژه در آنها به کار برده شده و همچنین آثاری که برای معرفت شمرده شده، نمی‌توان «شناخت» را معادل کاملی برای «معرفت» دانست.

در حقیقت معرفت، شناخت صرف نیست، شناختی است که همراه با نوعی وابستگی باشد. وقتی آدمی به پدیده‌ای شناخت پیدا می‌کند، نسبت به آن دلزدگی و تنفر و یا وابستگی و تعلق احساس می‌کند. آنگاه که شناخت، آدمی را به تعلق و وابستگی بکشاند و انسان در درونش محبت و علاقه نسبت به آن پدیده احساس کند، به آن شناخت که نتیجه آن محبت است، «معرفت» گفته می‌شود. به همین جهت است که هر جا در روایات و آیات، محبت به آدمی امر شده است، در حقیقت امر به معرفت شده است.

«عمل» و «معرفت» هم رابطه‌ای دو سویه با یکدیگر دارند. کسی که طالب صعود است، براساس میزان معرفت خویش رفتار خود را تنظیم می‌نماید که همین تنظیم عاطفه بر اساس معرفت، آدمی را به مراحل بالاتر معرفت می‌رساند. پس معرفت دارای مراحل مختلفی است که با ایمان و عمل می‌توان به مراتب بالای آن دست یافت. درباره‌ی اصحاب کهف آمده است:

«إِنَّهُمْ فِتْيَةٌ آمَنُوا بِرَبِّهِمْ وَ زِدْنَاهُمْ هُدًى»^۱

اصحاب کهف چون ایمان آوردند - و مقداری حرکت کردند -
هدایت الهی برایشان فزونی یافت.

من به سرچشمه‌ی خورشید نه خود بردم راه
ذره‌ای بودم و مهر تو مرا بالا برد
(علامه طباطبایی^(ه))

شرایط منتظران

شرط اول: بینش عمیق

الف - بینش عمیق نسبت به حق تعالی

امیرالمؤمنین، علی علیه‌السلام می‌فرماید:

«رَجَالٌ مُّؤْمِنُونَ عَرَفُوا اللَّهَ حَقَّ مَعْرِفَتِهِ وَ هُمْ
أَيْضاً أَنْصَارُ الْمَهْدِيِّ فِي آخِرِ الزَّمَانِ»^۲

مردان مؤمنی که خدا را آنچنان که شایسته است، شناخته‌اند و
آنان یاوران مهدی علیه‌السلام در آخرالزمان‌اند.

۱. سوره کهف، آیه ۱۳.

۲. علامه مجلسی، بحار الانوار، ج ۵۷، ص ۲۲۹.

امام صادق علیه‌السلام نیز در وصف یاران منجی بشریت می‌فرمایند:

«رِجَالٌ كَأَنَّ قُلُوبَهُمْ زُبُرُ الْحَدِيدِ، لَا يَشُوبُهَا شَكٌّ
فِي ذَاتِ اللَّهِ، أَشَدُّ مِنَ الْحَجَرِ»^۱

آنان مردانی‌اند که گویا دل‌هایشان پاره‌های آهن است و از سنگ سخت‌ترند و هیچ تردیدی در ذات خداوند ندارند.

این دو عبارت زیبا، نشاط‌آور و امیدبخش در واقع شرط اساسی منتظر را بیان می‌کند. منتظر در انتظار قیامی الهی است و قیام الهی، قلبی سرشار از بینش و گرایش به خداوند می‌خواهد. آن کس که اعتماد و ایمانش بر منبع بی‌انتهای خداوندی، ضعیف است، چگونه می‌تواند حضرت قائم عجل الله تعالی فرجه الشریف را همراهی کند؟

امام سجاد علیه‌السلام فرمود: «چون پروردگار می‌دانست که در آخرالزمان اقوامی اهل فکر و تعمق می‌آیند، سوره مبارکه «توحید» و اوایل سوره حدید تا «وَاللَّهُ عَلِيمٌ بِذَاتِ الصُّدُورِ» را نازل کرده است. پس هر کس مطلبی جز آن (محتوای حقیقی سوره توحید و حدید) را قصد کند، نابود می‌شود.^۲

بنابراین برای ظهور و قیام جهانی فقط دست و بازوی قوی کافی نیست، چرا که مهدویت فقط قیام برای تسلط و حکومت بر جهانیان نیست. در واقع حکومت وسیله و ابزار رسیدن به اهداف مهدویت است؛ همان هدفی که همه انبیا و اولیا علیهم‌السلام دنبال می‌کردند و آن «توحید» است. تربیت انسان توحیدی و در نتیجه آن، تربیت جامعه توحیدی رسالت انبیا و اوصیای آنان بوده است. تا به حال بارها انسان

۱. همان، ج ۲، ص ۳۰۸.

۲. کافی، ج ۱، ص ۹۱.

موحد تربیت شده، اما جامعهٔ موحد هنوز تشکیل نشده است. لذا همه چشم‌انتظار آخرین سفیر خداوند و دوازدهمین وصی پیامبر خاتم صلی الله علیه و آله هستند تا او کارهای به زمین مانده را تمام و تکامل اجتماعی بشر را محقق سازد.

البته همه می‌دانیم که بنا نیست این کار با معجزه انجام شود. باید آن-قدر تشنهٔ توحید شویم و تلاش کنیم و به تکاپو بیافتیم تا مقدمات ظهور فراهم گردد. بدون توحید نمی‌توان منتظر عدالت شد و غیر موحد تاب امامت امام عادل را نداشته و نخواهد داشت. از طرف دیگر، حضرت صاحب عجل الله تعالی فرجه الشریف دست روی دست نگذاشته‌اند تا تشنگان توحید پیدا شوند و مقدمات ظهور را فراهم آورند، بلکه هر کس شمیم توحید را دنبال می‌کند، در واقع با رهبری و راهنمایی ایشان است؛ چنانکه در زیارت روز جمعهٔ ایشان می‌خوانیم:

«السَّلَامُ عَلَیْكَ يَا نَوْرَ اللَّهِ الَّذِي يَهْتَدِي بِهِ الْمُهْتَدُونَ»^۱

سلام بر تو ای نور خدا که هدایت‌یافتگان، به آن نور هدایت یابند.

«امام زمان علیه‌السلام در گوشه و کنار عالم، تربیت دوستان و یاوران حقیقی خویش را برعهده می‌گیرد و آنان را با نور الهی ولایت خویش پرورش می‌دهد تا هم زمینه‌سازان ظهور مقدسش باشند و هم بازوان توانمندی به هنگام ظهورش.»^۲

ب - بینش عمیق نسبت به امام علیه‌السلام

ضرورت معرفت نسبت به امام هر عصر و زمانی قبلاً ذکر شد. امام-

۱. شیخ عباس قمی، کلیات مفاتیح الجنان، زیارت امام زمان علیه‌السلام در روز جمعه.

۲. استاد مسعود پور سید آقایی

شناسی عمومی بر هر شیعه‌ای لازم است، اما معرفت و بینش عمیق است که مشخص می‌کند یک فرد منتظر «غایب» آل محمد صلی الله علیه و آله است یا منتظر «قائم» آل محمد صلی الله علیه و آله. حضرت باقرالعلوم علیه‌السلام می‌فرماید:

«مَنْ مَاتَ وَ هُوَ عَارِفٌ لِإِمَامِهِ كَانَ كَمَنْ هُوَ مَعَ الْقَائِمِ فِي فُسْطَاطِهِ»^۱

کسی که با معرفت امامش بمیرد، مانند کسی است که با حضرت قائم علیه‌السلام در خیمه‌اش بوده باشد.

اما مگر معرفت امام علیه‌السلام چیست که می‌تواند سطحی و عمیق باشد؟ برای پاسخ به این سؤال به روایت ذیل توجه فرمایید:

ابونصر که از خدمتگزاران امام حسن عسکری علیه‌السلام است، پیش از غیبت امام مهدی عجل الله تعالی فرجه الشریف به حضور آن حضرت می‌رسد. امام مهدی علیه‌السلام از او می‌پرسد: آیا مرا می‌شناسی؟ پاسخ می‌دهد: آری، شما سرور من و فرزند سرور من هستید! امام علیه‌السلام می‌فرماید: مقصود من چنین شناختی نبود؟! ابونصر می‌گوید: (مقصود شما چیست؟) خودتان بفرمایید. امام علیه‌السلام می‌فرماید: من آخرین جانشین پیامبر خدا هستم و خداوند به (برکت) من بلا را از خاندان و شیعیانم دور می‌کند.^۲

ابونصر تنها می‌دانست که سروری به نام مهدی عجل الله تعالی فرجه الشریف دارد. پدر ایشان امام حسن عسکری علیه‌السلام و جد او امام هادی علیه‌السلام است؛ اما او نمی‌دانست که آیا رابطه‌ی امام با رسول صلی الله علیه و آله رابطه‌ای صرفاً نسبی است و یا ارتباط اساسی‌تری است. نسبت امام با

۱. کلینی، الکافی، ج ۱، ص ۳۷۲.

۲. شیخ صدوق، کمال‌الدین، ج ۲، ص ۴۴۱.

امام چه می‌باشد؟ رابطهٔ امام با خلق خدا و به خصوص شیعیان چگونه است و در یک کلام «حضرت مهدی علیه‌السلام چه جایگاهی در عالم دارند»؟

مقامات اهل بیت علیهم‌السلام از نگاه اهل بیت

اهل بیت علیهم‌السلام خود گواهان صادقی بر مقامات خویش هستند. مقامات بلند و عرشی این چهارده خورشید تابان از ظرفیت درک خلق فراتر است که کلمات نورانی آن حضرات مبین آن مقامات عظیم می‌باشد.

امام باقر علیه‌السلام می‌فرمایند:

«بِنَا عِبَادَ اللَّهِ وَ بِنَا عُرْفَ اللَّهِ وَ بِنَا وَحْدَ اللَّهِ
تَبَارَكَ وَ تَعَالَى»^۱

به سبب ما خداوند عبادت می‌شود و به سبب ما خداوند شناخته می‌شود و به سبب ما خداوند به یگانگی پرستش می‌شود.

پس روح معرفت و عبودیت خدا، معرفت و شناخت اهل بیت علیهم‌السلام است، چنانکه امام صادق علیه‌السلام می‌فرمایند: «أَغَاذُ وَ پَايَانُ هِمَّةِ عِبَادَتِهَا مَعْرِفَتُهَا»^۲ بنا بر این اگر تمام عبادت‌ها و عبودیت‌ها همراه با معرفت آموزگاران عبادت - که همان اهل بیت علیهم‌السلام هستند - نباشد، به کالبدی بدون روح می‌ماند که توان تحرک، پویایی، و تأثیرگذاری و فعالیت را ندارد.

۱. کلینی، اصول کافی، ج ۱، ص ۱۴۵.

۲. علامه مجلسی، بحار الانوار، ج ۲۷، ص ۲۰۲.

بدین سان است که «مهدی شناسی» که لازمه و عصاره «امام شناسی» است، روح و حقیقت تمام پرستش ها خواهد بود. بدون معرفت امام زمان عجل الله تعالی فرجه الشریف، هیچ پرستشی در پیشگاه خداوند قدر و منزلتی نخواهد داشت. اینچنین معرفتی است که می تواند بشر را از گرداب شهوات خارج کرده و در انتظار قائم آل محمد عجل الله تعالی فرجه الشریف پویا و استوار گرداند و آنها که قلب هایشان همچون تکه های آهن است، گوهری چنین پرتالو در سینه هایشان پرتوافشانی می کند.

ج - بینش عمیق نسبت به انسان و هستی

منتظران حقیقی با داشتن معرفت نسبت به خداوند سبحان و امام به معرفتی ژرف دست می یابند. آنها با داشتن آرمان بزرگ مهدویت به اهداف کم مایه توجهی ندارند و با یافتن خویش، انبوهی از استعداد های شگفت انگیز را در جهت صعود به مقامات بلند انسانی به کار می گیرند. وقتی منتظر، طالب این همه عظمت شد و همت کرد و اراده اش محکم شد، درمی یابد که این مسیر طولانی همسفر می خواهد، درمی یابد که این مسیر پر پیچ و خم اسباب و ابزار لازم می طلبد؛ و اینجاست که گنج معرفت به دانش می رسد که همه آنچه در پیرامون توست، رفیق راهت هستند. فقط باید فرصت ها را دریابی و سستی و کاستی را از خود دور کنی!

منتظر می داند که مخلوقات عالم لشکریان خداوند هستند و هر کدام می تواند امتحانی را فراهم کند.

«ان اصحاب موسى ابتلوا بنهرٍ و هو قولُ الله

۱. امیرالمؤمنین علیه السلام می فرماید: «همانا دل هر مردی از یاوران مهدی عجل الله تعالی فرجه الشریف از پاره های فولاد محکم تر و استوارتر است...» (قندوزی، یتایع المودة، ص ۵۰۹)

عَزَّ وَ جَلَّ: «إِنَّ اللَّهَ مُبْتَلِيكُمْ بِنَهَرٍ» وَ إِنَّ
أَصْحَابَ الْقَائِمِ يَتَلَوْنَ بِمِثْلِ ذَلِكَ^۱

سپاهیان موسی با نهر آبی آزمایش شدند؛ همان که خداوند
درباره‌اش می‌فرماید: «(خداوند) شما را با نهر آبی می‌آزماید»
و یاران امام مهدی عجل الله تعالی فرجه الشریف نیز مثل
آنان آزمایش می‌شوند.

شرط دوم: خوار «او» شو تا سلیمان‌ت کند (بندگی)

آدمی دوست دارد از موفق‌ترین‌ها باشد، همیشه بر سکوی افتخار
بایستد و نقل محافل باشد. اما یک مشکل وجود دارد و آن هم اینکه
آدمی تنها لحظه درخشیدن افراد موفق را می‌بیند؛ از یک مدیر موفق
ریاست کردن و در اختیار داشتن امکانات را می‌بیند؛ از یک دانشمند
جایزه گرفتن و سخنرانی در اجتماعات بزرگ را مشاهده می‌کند؛ از یک
ورزشکار عکس‌های شیک و بزرگ در نشریات و گرفتن کاپ قهرمانی را
و از یک شخصیت معنوی، ابرومندی و وقار و محبوبیت مردمی را
می‌بیند. اما پشت صحنه موفقیت‌ها، رنج‌ها و سختی‌هایی است که
هرکسی توان درک آنها را ندارد.

وقتی فضائل منتظران بیان می‌شود، اشتهای انسان تحریک می‌شود
که «وای! ای کاش من هم یک منتظر باشم!» اما با چه سرمایه‌ای
می‌شود وارد این داد و ستد شد؟

هیچ چیزی در عالم پا در پله صعود نمی‌گذارد و وصف «بهترین» را
نمی‌گیرد، مگر اینکه رنگ خدایی داشته باشد^۲؛ یعنی «اگر انسان آرم

۱. علامه مجلسی، بحار الانوار، ج ۵۲ ص ۳۳۲.

۲. «صِبْغَةَ اللَّهِ وَ مَنْ أَحْسَنُ مِنْ اللَّهِ صِبْغَةً» (سوره مبارکه بقره، آیه ۱۲۸).

میناگر عالم را داشت، می‌تواند وارد بورس زیبایی‌ها شود و آلا نه.»
به بحث خود که درباره سرمایه لازم برای منتظر واقعی شدن است
برگردیم. علی علیه‌السلام می‌فرماید:

«فِيهِمْ رِجَالٌ لَا يَنَامُونَ اللَّيْلَ، لَهُمْ دَوِيٌّ فِي
صَلَاتِهِمْ كَدَوِيِّ النَّحْلِ، يَبْتَئُونَ قِيَامًا عَلَى
أَطْرَافِهِمْ وَ يُصْبِحُونَ عَلَى خِيُولِهِمْ، رُهْبَانٌ بِاللَّيْلِ
لُيُوثٌ بِالنَّهَارِ»^۱

رادمردانی از ایشان (اصحاب خاص مهدی عجل الله تعالی
فرجه الشريف) شب‌هنگام نمی‌خوابند و زمزمه نمازشان چونان
زمزمه زنبوران عسل فضا را آکنده می‌سازد. از شب تا به صبح
در حال قیام و رکوع و سجودند و بامدادان بر مرکب‌هایشان
سوارند؛ آنان راهبان شب و شیران روز هستند.

آری، یاران خاص حضرت مهدی علیه‌السلام شب‌های خویش را با نماز و
مناجات و تلاوت قرآن به صبح می‌آورند. آوای مناجات و نماز و تلاوت
قرآنشان تمام فضا را معطر می‌کند. اما عبادت بالنده شبانه، ایشان را از
مجاهدت توفنده روزانه باز نمی‌دارد. صبحگاهان، ایشان را با روحیه بالا،
نیرومند و آماده برای هرگونه فداکاری و جانفشانی و خدمت‌گذاری در
رکاب امامشان می‌نگری. آنان وزیران امام زمانند که مدیریت امور
کشوری را بر عهده می‌گیرند و امامشان را در برپایی دولت کریمه
مهدوی و استقرار آن در سرتاسر جهان یاری می‌کنند.^۲

وقتی بیایی نسل طوفان در رکابت
جنگل به جنگل این سواران در رکابت

۱. علامه مجلسی، بحار الانوار، ج ۵۲، ص ۳۰۸.

۲. یزدی حائری، الزام الناصب، ص ۱۹۲. کاظمی، بشارة الاسلام، ص ۲۹۷.

وقتی بیایی روی بال اسب خورشید
توسن‌ترین آتش‌رکابان در رکابت
وقتی بیایی آسمان‌نوشان خاکی
آتش‌نفس، بی‌مرگ مردان در رکابت

پیامبر صلی الله علیه و آله نیز در توصیف ایشان چنین می‌فرمایند:

«تُجَلَّىٰ بِالتَّزْيِيلِ بَصَائِرُهُمْ وَ يُرْمَىٰ بِالتَّفْسِيرِ فِي
مَسَامِعِهِمْ وَ يُغَبَّقُونَ كَأْسَ الْحِكْمَةِ بَعْدَ الصُّبْحِ»^۱

چشمانشان با قرآن روشنایی و جلا یافته و تفسیر قرآن در
گوش‌جانشان جای گرفته است. آنان در صبحگاهان جرعه-
نوش جام حکمت [از چشمه‌سار لبریز قرآن] می‌گردند.

این عبارت شیرین را در کنار این قسمت از زیارت آل یاسین بگذارید و
نتیجه‌گیری کنید! آنجا که به مولا یمان عرضه می‌داریم:

«السَّلَامُ عَلَيْكَ يَا تَالِي كِتَابِ اللَّهِ وَ تَرْجَمَانَهُ»^۲

سلام بر تو ای تلاوت‌کننده کتاب خدا و ای تفسیرکننده
حقایق آن!

شرط سوم: اجر رسالت (پایداری در محبت)

انسان‌های دوست‌داشتنی را نمی‌شود دوست نداشت. مهم چگونگی
دوست داشتن است. گاه دوستی‌ها به اوج می‌رسد و محبت، مال و جان و
خانواده را فدای محبوب می‌کند: «بِأَبِي أَنْتَ وَ أُمِّي وَ نَفْسِي وَ مَالِي وَ
عَشْرَتِي». خیلی‌ها حسین بن علی علیهما السلام را دوست داشتند؛ از طنین

۱. علامه مجلسی، بحار الانوار، ج ۵۱ ص ۱۱۷.

۲. شیخ عباس قمی، کلیات مفاتیح الجنان، زیارت آل یاسین.

۴۱ / تو را این گونه می خواهم □

صدایش جان تازه می گرفتند؛ با خنده اش می خندیدند و به حال مناجات عرفه اش های های گریه می کردند. اما آیا این محبت به آن اندازه بود که آنها را به کربلا هم بیاورد تا روز عاشورا با او باشند؟! آری، خداوند منان آخرین ذخیره خود را به هر امتی عطا نخواهد کرد. او آن قدر صبر می کند تا منتظران و یاورانی برایش فراهم شود که خود و زندگیشان را به هر آنچه به امامشان مربوط است، متبرک می کنند. امام صادق علیه السلام درباره منتظران می فرماید:

«يَتَمَسَّحُونَ بِسَرِّجِ الْإِمَامِ يَطْلُبُونَ بِذَلِكَ الْبَرَكَهَ»^۱

برای تبرک جستن، بر زین اسب امام دست می کشند.

البته امروزه افراد خرافاتی که هر چیز و ناچیزی را متبرک می دانند، زیادند! اما منتظران می دانند که چه گوهر متبرکی را به انتظار نشسته اند. هر آنچه در خدمت آن وجود نازنین است، نزد اهالی معرفت و انتظار مبارک می باشد.

امام صادق علیه السلام می فرماید:

«يَحْفُونَ بِهِ وَ يَقُونَهُ بِأَنْفُسِهِمْ فِي الْحَرْبِ وَ
يَكْفُونَهُ مَا يُرِيدُ»^۲

آنان در میدان رزم، او را در میان می گیرند و در جنگ ها با جان خود از ایشان محافظت می کنند.

نکته:

۱. ظهور، تجسم کربلاست. در کربلا دلاورترین و بهترین رزمنده را

۱. علامه مجلسی، بحار الانوار، ج ۵۲ ص ۳۰۸.

۲. همان.

مأمور حفاظت از سلطان دل‌ها، حسین بن علی علیه‌السلام کردند. چه خوش درخشید قمر منیر بنی‌هاشم، ابوالفضل العباس روحی له الفداء!
 ۲. چرا یاوران حضرت جان خود را فدای حفاظت از وجود بی‌همتای او می‌کنند؟

الف - چون جان ولی خدا، کلام او، رفتار او و آبروی او بر همه کس اولویت دارد: «النبی اولی بالمؤمنین من انفسهم»^۱.

ب - شدت محبت به محبوب، اصلاً جایی برای طرح این سوال نمی‌گذارد. جانفشانی‌های شهدای انقلاب و دفاع مقدس، ذره‌ای از این محبت مقدس به ولی خداست.

خداوند متعال در شب معراج به حبیب خود خطاب می‌کند:

«یا مُحَمَّدُ! أَحِبُّهُ فَإِنِّي أَحِبُّهُ وَ أَحِبُّ مَنْ يُحِبُّهُ»^۲

ای محمد! او را (مهدی) دوست بدار! همانا که من او و تمام محبان او را دوست می‌دارم.

رسول خدا صلی الله علیه و آله نیز فرمود:

«طُوبَىٰ لِلْمُقِيمِينَ عَلَىٰ مَحَبَّتِهِ»^۳

خوشا به حال پایداران (ثابت قدمان) در محبتش!

اینک ماییم و این توصیه الهی. ماییم و این بشارت نبوی. ماییم و میراث‌داری محبت مهدوی. بر دامان پاک و نورانی مادران و پدرانمان هزاران درود و سلام که سودای محبتش را در سرای دل‌هایمان به ودیعت نهادند، چرا که اول سرمایه قدم نهادن در هامون عشق مهدوی،

۱. سوره مبارکه احزاب، آیه ۶

۲. علامه مجلسی، بحار الانوار، ج ۳۶، ص ۲۲۳.

۳. قندوزی، ینایع الموده، ج ۲، ص ۳۸۸.

اصلاب شامخ پدران و ارحام مطهر مادران است: «پس هرکس نسیم دل افروز محبت مهدوی را در قلبش یافت، به روح پاک مادرش تحیت و دعا فرستد!» زیرا امام صادق علیه السلام فرمود:

«مَنْ وَجَدَ بَرْدَ حُبِّنا عَلَيَّ قَلْبِهِ فَلْيُكْثِرِ الدُّعَاءَ لِأُمَّه»^۱

هرکس که نسیم دل افروز محبت ما را در قلبش دریافت،
پس [برای دامن پاک] مادرش بسیار دعا کند.

شرط چهارم: پا در رکاب (اطاعت)

حسابی بازی گرم شده بود. توپ زیر پای مهدی بود که یکباره صدای مادرش بلند شد: مهدی جان! فوری برو چند تا نون بگیر! مهدی بی درنگ توپ را رها کرد و رفت....

بارها می شد طرح عملیاتی را قبول نداشت ولی چون دستور از بالا بود، قبول می کرد. حتی دیگران را هم تشویق می کرد تا عملیات به خوبی انجام شود.^۲

اطاعت، با انجام دادن (امثال) فرق دارد. وقتی کاری با میل و رغبت و اختیار انجام شود، می گویند: «اطاعت کرد»؛ پس فرمول اطاعت می شود: معرفت + محبت = اطاعت

معرفت و محبت منتظر، او را مطیع مولایش می کند. امیرالمؤمنین علیه السلام می فرماید:

«هُمْ أَطَوَعُ لَهُ مِنَ الْأُمَّةِ لِسَيِّدِهَا»^۳

۱. علامه مجلسی، بحار الانوار، ج ۲۷، ص ۱۴۷.

۲. خاطره سردار شهید مهدی زین الدین.

۳. علامه مجلسی، بحار الانوار، ج ۵۲، ص ۳۰۸.

اطاعت آنان از امام، از اطاعت کنیز در برابر مولایش بیشتر است.

در واقع برای منتظر، کوچک و بزرگ فرقی ندارد. آنان هر امری از سوی حضرت را با جدیت، سرعت و دقت عمل می‌کنند. منتظران حقیقی بین واجب و مستحب فرقی نمی‌گذارند و هر آنچه مطلوب مولا است، انجام می‌دهند. منتظر حقیقی به دنبال کسب رضایت محبوب خویش است نه خواسته دل خود.

منتظر به بهانه نواندیشی از امام خود سبقت نمی‌گیرد. آنان نه تنها مطیعند، بلکه برخلاف بسیاری که بهانه فقدان زمینه، امکانات، سختی راه و غیره را دارند، از خدمت به ایشان و اهدافشان شانه خالی نمی‌کنند. از امام باقر علیه‌السلام درباره حق امام بر مردم سؤال شد. امام علیه‌السلام در پاسخ فرمود:

«حَقُّهُ عَلَيْهِمْ أَنْ يَسْمَعُوا لَهُ وَ يُطِيعُوا»^۱

حق امام بر مردم این است که حرفش را بشنوند و اطاعت کنند.

امیرالمؤمنین علیه‌السلام در این باره می‌فرماید:

«مَنْ أَطَاعَ إِمَامَهُ فَقَدْ أَطَاعَ رَبَّهُ»^۲

کسی که امامش را اطاعت کند، پروردگارش را اطاعت کرده است.

شرط پنجم: گمرک شخصی (تقوا)

بعضی کشورهای دنیا آن قدر بی‌در و پیکر هستند که نسبت به صادرات و وارداتشان هیچ کنترل و تعرفه گمرکی ندارند و هرکس هرچه بخواهد به کشورشان وارد و هرچه بخواهد از آن صادر می‌کند؛ برخلاف

۱. کلینی، کافی، ج ۱، ص ۴۰۵.

۲. آمدی، غرر الحکم، ص ۱۱۶، ح ۲۰۳۰.

کشورهای قدرتمند و موفق. انسانها نیز همین گونه‌اند. افراد موفق برای شخصیت درونی و بیرونی خود تعریف خاصی دارند. هر فکر و اندیشه‌ای را به ذهن خود راه نمی‌دهند؛ از هر کسی تأثیرپذیری ندارند؛ زبانشان برای هر کلمه‌ای نمی‌چرخد؛ قلمشان هر چیزی را نمی‌نگارد؛ قدمشان به هر راهی پا نمی‌نهد؛ در عین حال، او از بعضی فکرها، گفتن‌ها، نوشتن‌ها و رفتن‌ها به هیچ وجه کوتاه نمی‌آید! این حالت خودبانی - اگر براساس معیارهای الهی باشد - در شریعت مطهر اسلام «تقوا» نام می‌گیرد. این خودبانی از خصوصیات منتظر واقعی است؛ همان گونه که امام صادق علیه‌السلام فرموده‌اند:

«مَنْ سَرَّهُ أَنْ يَكُونَ مِنْ أَصْحَابِ الْقَائِمِ فَلْيَنْتَظِرْ
وَلْيَعْمَلْ بِالْوَرَعِ وَ مَحَاسِنِ الْأَخْلَاقِ وَ هُوَ
مُنْتَظَرٌ. فَإِنْ مَاتَ وَ قَامَ الْقَائِمُ بَعْدَهُ كَانَ لَهُ مِنَ
الْأَجْرِ مِثْلُ أَجْرِ مَنْ أَدْرَكَهُ»^۱

هر کس دوست دارد که از اصحاب و یاوران قائم علیه‌السلام باشد، باید در حالی که در انتظار به سر می‌برد، براساس ورع و محاسن اخلاق عمل نماید. پس اگر در این حال از دنیا برود و پس از آن، قائم قیام کند، پاداشی مانند آن کسی که قائم را درک نماید، خواهد داشت.

نکته:

۱. حضرت رمز ورود به جرگه اصحاب امام زمان - ارواحنا فداه - را دو چیز معرفی می‌فرماید: «انتظار» و «عمل براساس ورع و محاسن اخلاق». بنابراین از بهترین راهکارهای عملی ارتباط و نزدیکی به ساحت

قدسی امام زمان عجل الله تعالی فرجه الشریف «شدت ورع و پارسایی» و «عمل براساس محاسن و مکارم اخلاقی» است که خود از برجسته‌ترین ویژگی‌های اصحاب مهدی علیه‌السلام است.

۲. «وَرَعٌ» بسی والاتر و بالاتر از تقواست. اگر در تقوا تمام واجبات انجام می‌شود، در ورع نسبت به مستحبات نیز علاقه و نشاط وجود دارد. اگر در تقوا از محرّمات دوری می‌شود، در ورع از هرگونه شبهه و عمل مکروه نیز پرهیز می‌شود. اگر در تقوا از گناه پرهیز می‌شود، در ورع، آدمی از ۱۰۰ کیلومتری گناه فرار می‌کند.

عده‌ای از ما با خود فکر می‌کنیم «وقتی ظهور امام عصر عجل الله تعالی فرجه الشریف نزدیک شود، وضع خود را سر و سامان می‌دهیم و به لباس تقوا در می‌آییم!» اما حضرت صاحب‌الامر عجل الله تعالی فرجه الشریف می‌فرمایند:

«فَلْيَعْمَلْ كُلُّ امْرِئٍ مِنْكُمْ مَا يَقْرُبُ بِهِ مِنْ
مَحَبَّتِنَا وَ لِيَتَجَنَّبَ مَا يُدْنِيهِ مِنْ كِرَاهِيَتِنَا وَ
سَخَطِنَا، فَإِنَّ امْرَأً يَغْتَهُ فَجَاءَهُ حِينَ لَا تَنْفَعُهُ تَوْبَةٌ وَ
لَا يُنَجِّيهِ مِنْ عِقَابِنَا نَدَمٌ عَلَى حَوْبَةٍ»^۱

پس هریک از شما باید آنچه را که موجب دوستی ما می‌شود، پیشه خود سازد و از هر آنچه موجب خشم و ناخشنودی ما می‌گردد، دوری گزیند. زیرا امر ظهور ما به یکباره و ناگهانی فرا می‌رسد و در آن زمان، توبه و بازگشت برای کسی سودی ندارد و پشیمانی از گناه، کسی را از کیفر ما نجات نمی‌بخشد.

ای که داری ادعای شیعیگی
بندگی کن! بندگی کن! بندگی!

شرط ششم: دریا باش! (صبر و بردباری)

پلیس ساعت‌ها کنار جاده می‌ایستد؛ گرما و سرما را تحمل می‌کند تا کسی دچار حادثه نشود؛ تا همه با آرامش خیال به مقصد برسند. اما وقتی تخلفی را تذکر می‌دهد و یا برگه جریمه‌ای را امضا می‌کند، غرغر و بد و بیراه است که نصیبتش می‌شود!

اگر تا به حال مسئول یک اردو بوده‌اید، می‌دانید که هر کدام از دانش‌آموزان، قلق خاص خودش را دارد. تحمل دانش‌آموزان با فرهنگ‌های مختلف کار هر کس نیست!

اینها مثال‌های کوچکی است. حال اگر کسی بخواهد «انقلاب جهانی» برپا کند، چه خون دلها که باید بخورد! حضرت سیدالشهدا علیه‌السلام می‌فرمایند:

«أَمَّا إِنَّ الصَّابِرَ فِي غَيْبَتِهِ عَلَى الْأَذَى وَ التَّكْذِيبِ
بِمَتْرَلَةِ الْمُجَاهِدِ بِالسَّيْفِ بَيْنَ يَدَي رَسُولِ اللَّهِ
صَلَّى اللَّهُ عَلَيْهِ وَ آلِهِ»^۱

اما صبرکننده بر اذیت و تکذیب در غیبت او مانند مجاهدی است که با شمشیر در رکاب پیامبر اکرم صلی الله علیه و آله با دشمنان مبارزه کند.

عبدالله بن سنان از امام صادق علیه‌السلام روایت کرده که فرمود: رسول گرامی صلی الله علیه و آله فرمود:

۱. شیخ صدوق، کمال‌الدین و تمام النعمة، ج ۱، ص ۳۱۷.

«سَيَأْتِي قَوْمٌ مِّنْ بَعْدِكُمُ الرَّجُلُ الْوَاحِدُ مِنْهُمْ لَهُ
 أَجْرٌ خَمْسِينَ مِنْكُمْ. قَالُوا: يَا رَسُولَ اللَّهِ! نَحْنُ
 كُنَّا مَعَكَ بِبَدْرٍ وَ أَحَدٍ وَ حُنَيْنٍ وَ نَزَلْنَا
 الْقُرْآنُ. فَقَالَ: إِنَّكُمْ لَوْ تَحَمَّلُوا لِمَا حُمِّلُوا لَمْ
 تَصْبِرُوا صَبْرَهُمْ»^۱

پس از سپری شدن دوران شما مردمی بر سر کار خواهند آمد
 که هر فرد آنان، پاداش پنجاه تن از شما را دارد. عرض
 کردند: ای رسول خدا! ما در جنگ بدر و احد و خندق در
 رکاب شما جنگیدیم و درباره ما آیاتی از قرآن نازل شد.
 فرمود: اگر شما آنچه را آنها تحمل کردند، متحمل شوید، از
 صبر و شکیبایی آنان برخوردار نخواهید بود.

نکته:

۱. صبر کردن فقط به معنای سکوت و متوقف شدن نیست؛ ساکت
 متوقف را که کسی اذیت نمی کند و مورد تهمت قرار نمی دهد. صبر
 کردن یعنی «ایستادگی» و «پایداری» که در موارد مختلف، مصادیق
 خاص خودش را دارد.

۲. صدر اسلام دوران پرزحمتی برای مسلمانان راستین بوده است و از
 سوی دیگر، به گزاف پاداش پنجاه نفر را به کسی نمی دهند، مگر آنکه
 آن یک نفر تلاش و زحمت پنجاه نفر را متحمل شود.

مطلب دیگر این است که منتظر، تلاش‌ها و اجر خویش را از بین
 نمی برد و مواظب آسیب‌ها نیز می باشد. امام علی علیه السلام می فرمایند:

«قَوْمٌ ... لَمْ يَمْتُوا عَلَى اللَّهِ بِالصَّبْرِ وَ لَمْ

۱. علامه مجلسی، بحار الانوار، ج ۵۲، ص ۱۳۰.

يَسْتَعْظِمُوا بَدَلَ أَنْفُسِهِمْ فِي الْحَقِّ^۱

یاران مهدی علیه‌السلام کسانی‌اند که به جهت بردباریشان بر خداوند منت نمی‌گذارند و از اینکه جان خویش را در کف اخلاص نهاده‌اند، احساس بزرگی نمی‌کنند.

شرط هفتم: ساخت و ساز (تربیت منتظران راستین)

خودخواهی در نظر همه ما صفت بدی است، ولی مصادیق خودخواهی در چند مورد خلاصه نمی‌شود. پای خودخواهی، حتی به آرمان بزرگ مهدویت هم باز شده است. افرادی که می‌خواهند ظهور واقع شود تا آنها در آسایش و آرامش زندگی کنند! و یا ظهور واقع شود که آنها در کنار حضرت بهره‌مندی‌شان را ببرند! بی‌شک اینها افراد خودخواهی هستند، زیرا این موارد همگی منفعت‌طلبی شخصی است.

آنان که به مهدویت اعتقاد دارند، به ثمر رسیدن آن حرکت عظیم را آرزو می‌کنند. در آرمان این افراد حضور تمام‌عیار خورشید ولایت مهم‌ترین مسأله است. البته با وجود این آفتاب تابان، آسایش و آرامش و بهره‌مندی از انوار حضرت ولی عصر عجل الله تعالی فرجه الشریف نیز حاصل می‌شود. اما در این آرمان، منافع هدف نیستند، اگرچه با وجود آن نور عالم‌تاب حاصل می‌شوند.

همچنین، منتظر می‌داند که برای تحقق اراده حضرت صاحب‌الامر عجل الله تعالی فرجه الشریف اساسی‌ترین مسأله آمادگی انسان‌هاست. بنابراین همان‌قدر که به اصلاح و آماده‌سازی خود اهتمام دارد، اصلاح و آماده‌سازی دیگران هم برایش اهمیت دارد. لذا یکی از درخواست‌های منتظران واقعی از خداوند متعال این است که:

۱. ابن ابی‌الحدید، شرح نهج البلاغه، ج ۹، ص ۱۲۹.

«وَجَعَلْنَا فِيهَا مِنَ الدُّعَاءِ إِلَى طَاعَتِكَ»^۱

در آن حکومت و دولت، ما را از کسانی قرار بده که مردم را به فرمان برداری از تو فرا می خوانند.

نکته:

«منتظر» واقعی، یعنی «خودساخته دیگر ساز»

شرط هشتم: نجوا (مناجات منتظران)

الف - دعا برای سلامتی حضرت

«اللَّهُمَّ كُنْ لَوْلِيكَ الْحُجَّةَ ابْنَ الْحَسَنِ -
صَلِّوْا تُكَ عَلَيْهِ وَ عَلَيَّ آبَائِهِ - فِي هَذِهِ السَّاعَةِ وَ
فِي كُلِّ السَّاعَةِ، وَلِيًّا وَ حَافِظًا وَ قَائِدًا وَ نَاصِرًا وَ
دَلِيلًا وَ عَيْنًا حَتَّى تُسَكِّنَهُ أَرْضَكَ طَوْعًا وَ تُمَتِّعَهُ
فِيهَا طَوِيلًا»^۲

بار خدایا! برای نماینده‌ات، حضرت حجت بن الحسن - که درود تو بر او و پدرانش باد - در این ساعت و در تمامی ساعات، سرپرست و محافظ و پیشوا و یاور و راهنما و دیده بان باش تا او را از روی میل و رغبت بر روی زمینت ساکن گردانی و بهره‌مندی او را در زمین طولانی فرما!

شکی نیست که در مهمترین زمان باید مهمترین کارها را انجام داد. یکی از اعمال سفارش شده در شب بیست و سوم ماه مبارک رمضان که

۱. شیخ عباس قمی، مفاتیح الجنان، دعای افتتاح.

۲. همان، اعمال شب بیست و سوم.

در میان سه شب قدر، مورد توجه ویژه اولیای خدا قرار گرفته است، دعا برای سلامتی حضرت صاحب الزمان عجل الله تعالی فرجه الشریف است. از آنجا که قیام مهدوی بر محور وجود نازنین بقیة الله الأعظم عجل الله تعالی فرجه الشریف خواهد بود، لذا جان حضرت مهمترین رکن این قیام خواهد بود. منتظر واقعی از آنجا که می‌داند ایشان همانند سایر ائمه علیهم السلام در معرض آفات جسمانی و بلاهای طبیعی قرار دارند، نمی‌تواند بی تفاوت باشد و زبان، چشم، گوش و قلبش از دعا برای سلامتی آن وجود مقدس دریغ نمی‌کند.

البته اگرچه این دعا در شب بیست و سوم ماه مبارک رمضان تأکید شده است، ولی در ادامه آن آمده است که هر طور برایت امکان دارد و تا زمانی که زنده هستی، آن را تکرار کن.

ب - دعا برای تجدید عهد با حضرت

منتظر چون مضطرّ است، آرامش بخش او فقط یک عامل می‌باشد و آن هم اتصال به قطب عالم امکان، حضرت ولی عصر علیه السلام است. پس باید در همه کارها و همه روزها برای با او بودن تثبیت شود. از این روست که نجوایش این است:

«اللَّهُمَّ إِنِّي أُجَدِّدُ لَهُ فِي صَبِيحَةِ يَوْمِي هَذَا وَ مَا
عِشْتُ مِنْ أَيَّامِي عَهْدًا وَ عَقْدًا وَ بَيْعَةً لَهُ فِي
عُنُقِي لِأَحْوَالِ عَنْهَا وَ لَا أَزُولُ أَبَدًا»^۱

بار خدایا! من در این صبحدم و در ابتدای این روز و در تمامی ایام زندگانیم بیعت و پیمان و قراردادی را با آن عزیز می‌بندم

که هیچ گاه و به هیچ وجه از آن برنخواهم گشت و هرگز آن را
از بین نمی برم.

عمق این عهد و پیمان تا آنجاست که شیعه از عمق جان به آن
حضرت عرضه می دارد:

«فَأَبْذُلُ نَفْسِي وَ مَالِي وَ وَٰلِدِي وَ أَهْلِي وَ جَمِيعَ
مَا خَوَّلَنِي رَبِّي بَيْنَ يَدَيْكَ وَ التَّصَرُّفَ بَيْنَ أَمْرِكَ
وَ نَهْيِكَ وَ هُوَ عَهْدِي إِلَيْكَ»^۱

پس جان و مال و فرزندان و خویشان و هر آنچه که
پروردگارم به من داده، به پیشگاهت و در راه تو و آرمان‌ها و
فرمان‌هایت تقدیم می کنم و این همان عهد من با توست.

قسم به تلخی صبر، به التیام تسلی، به
التهاب شکست،

قسم به ساحت صبح، قسم به شوکت شب،

قسم به صبح ظهور، به آرزو، به خیال،

که باز بر سر دلدادگیت هم عهدیم

قسم به عشق کزین راه بر نمی گردیم!

ج - دعا برای ظهور حضرت

شوق درک جامعه مهدوی و انزجار از کمی‌ها و کاستی‌ها و آلودگی‌ها
برخاسته از یقین است. این اطمینان آنچنان جان و دل منتظر را پر
می کند که دست‌ها را به آسمان می گشاید و از آفاق دل بر زبان جاری
می سازد که:

۱. همان، زیارت حضرت صاحب الامر علیه السلام.

«اللَّهُمَّ ... عَجِّلْ فَرَجَهُ وَ سَهِّلْ مَخْرَجَهُ وَ أَوْسِعْ
مَنْهَجَهُ»^۱

بار خدایا! در گشایش آموزش شتاب کن و شرایط قیام او را
آسان گردان و راه ایشان را برای دستیابی به مقاصدش
گسترش ده!

حضرت رضا علیه السلام در بهترین لحظات نیایش خود در قنوت نماز
جمعه این چنین ظهور را طلب می کنند که:

«اللَّهُمَّ أَصْلِحْ عَبْدَكَ وَ خَلِيفَتَكَ بِمَا أَصْلَحْتَ
بِهِ أَنْبِيَاءَكَ وَ رُسُلَكَ وَ حُفَّهُ بِمَلَائِكَتِكَ وَ أَيِّدُهُ
بِرُوحِ الْقُدُسِ مِنْ عِنْدِكَ...»

بار الها! کار ظهور بنده شایسته و خلیفه راستین را اصلاح
فرما، همان گونه که کار پیامبران و فرستادگانت را اصلاح
نمودی و از سوی خویش و به وسیله روح القدس او را یاری و
پشتیبانی فرما!

حضرت مهدی علیه السلام با شوق به برافراشتن پرچم توحید و نجات
بندگان خدا از ظلمت جهل و شهوت اینچنین دعا می کنند:

«يَا نَوْرَ النُّورِ يَا مُدَبِّرَ الْأُمُورِ... اجْعَلْ لِي وَ
لِشِيعَتِي مِنَ الضِّيقِ فَرَجاً وَ مِنْ أَلَمِّ مَخْرَجاً وَ
أَوْسِعَ الْمَنْهَجِ وَ أَطْلِقْ لَنَا مِنْ عِنْدِكَ مَا يَخْرُجُ»^۲

ای نور روشنایی و ای تدبیرکننده امور!... برای من و شیعیانم

۱. همان، دعای عهد.

۲. کفعمی، المصباح، ص ۳۰۵.

گشایشی از تنگناها و راه نجاتی از ناراحتی‌ها قرار ده و راه پیروزی را برای ما وسیع گردان و از جانب خود آنچه فرج ما را برساند، بر ما ارزانی دار!

وقتی که اشتهای بندگی و طاعت لبریز شود، امام صادق علیه‌السلام با اشک و آه زمزمه می‌کنند:

«سَيِّدِي! غَيْبُكَ نَفَتْ رُقَادِي وَ ضَيِّقَتِ عَلَيَّ
مِهَادِي وَ ابْتَزَّتْ مِنِّي رَاحَةَ فُؤَادِي»^۱

سرور من! غیبت تو خواب را از دیدگانم ربوده و زمین را بر من تنگ کرده و آسایش قلبی را از من برده است.

نکته:

شاید بعضی معنای «اضطرار» را خوب ندانند، اضطرار در واقع همین حالت امام صادق علیه‌السلام است.

د - در آرزوی همراهی حضرت بودن

بعضی وقت‌ها خودخواهی هم عمل خوبی می‌شود! آنجا که خودخواهی ما را به «فدا شدن» و «هزینه شدن» در جبهه حق می‌رساند، عین نیکی و نیکوکاری است و تا این خودخواهی نباشد، کسی به جایی نمی‌رسد:

«اللَّهُمَّ اجْعَلْنِي مِنْ أَنْصَارِهِ وَ أَعْوَانِهِ وَ الذَّابِّينَ
عَنْهُ وَ الْمُسَارِعِينَ إِلَيْهِ فِي قَضَاءِ حَوَائِجِهِ وَ
الْمُتَثَلِّينَ لِأَوَامِرِهِ وَ الْمُحَامِلِينَ عَنْهُ وَ السَّابِقِينَ إِلَى

۱. شیخ صلوق، کمال الدین و تمام النعمة، ج ۲، ص ۳۵۳.

إِرَادَتِهِ وَ الْمُسْتَشْهِدِينَ بَيْنَ يَدَيْهِ»^۱

خداوندا! مرا از یاران و کمک‌رسانان و حمایت‌کنندگان و مدافعان آن بزرگوار قرار ده! جزء گروهی که به سرعت برای انجام خواسته‌های او به سویش می‌شتابند؛ جزء دسته‌ای که دستورهای او را بدون کم و زیاد انجام می‌دهند؛ جزء حمایت‌کنندگان از او و پیشی‌گیرندگان بر انجام امور دلخواه او و شهادت‌طلبان در پیش روی او قرار ده!

در این راستا دعای حضرت رضا علیه‌السلام - که خود ایشان امام و خلیفه خدا هستند و جایگاه ویژه‌ای در سیر تاریخی تشیع و اسلام داشته‌اند - جالب توجه و دقت است:

«اللَّهُمَّ ... وَ اجْعَلْنَا فِي حِزْبِهِ ... حَتَّىٰ تَحْشُرَنَا
يَوْمَ الْقِيَامَةِ فِي أَنْصَارِهِ وَ أَعْوَانِهِ وَ مُقْوِيَةِ
سُلْطَانِهِ ... وَ اجْعَلْنَا مِنْ مَنْ تَنْصِرُ بِهِ لِدِينِكَ وَ تُعِزُّ
بِهِ نَصْرَ وَ لِيكَ»^۲

خداوندا! ... و ما را جزء حزب ایشان قرار بده... تا آنجا که ما را در قیامت در زمره یاران و یاوران و تقویت‌کنندگان سلطه ایشان محشور فرمایی! ... و ما را از کسانی قرار ده که دین خود را به وسیله آنها غلبه می‌دهی و به سبب ایشان یاری ولی خود را عزت می‌بخشی.

۱. شیخ عباس قمی، مفاتیح الجنان، دعای عهد.

۲. عزیز الله عطار دی، مسند الامام رضا علیه‌السلام، ج ۲، ص ۲۷.

خودآزمایی

۱. بایسته‌های منتظر را از نظر فردی و اجتماعی تفکیک کرده و بیان نمایید.
۲. غیر از تکالیف و وظایف مذکور، پنج مورد دیگر از مهمترین وظایف منتظر را بیان کنید. (در مورد وظایف شیعیان در دوران غیبت، سخن‌های بسیاری گفته شده است و حتی در بعضی از کتاب‌ها از جمله کتاب «مکیال المکارم فی فوائد الدعاء للقائم» تا هشتاد وظیفه برای منتظران ذکر شده است.)^۱
۳. پنج مورد از اوصاف یاوران امام مهدی عجل الله تعالی فرجه الشریف را که در قرآن آمده است، ذکر فرمایید.^۲
۴. با توجه به دعای امام رضا علیه‌السلام در پایان درس، فکر می‌کنید شروع انتظار برای ظهور حضرت بقیه الله الاعظم چه زمانی بوده و چه کسانی بهترین منتظران او بوده‌اند؟

برای مطالعه بیشتر

- آشتی با امام زمان عجل الله تعالی فرجه الشریف، محمد شجاعی، نشر محیی، قم.
- در انتظار ققنوس، سید ثامر هاشم العمیدی، ترجمه و تحقیق مهدی علیزاده، موسسه آموزشی و پژوهشی امام خمینی، قم.
- آفتاب ولایت، آیت‌الله محمد تقی مصباح یزدی، موسسه آموزشی و پژوهشی امام خمینی، قم.

۱- رجوع کنید به: میرزا محمدتقی موسوی اصفهانی، مکیال المکارم، ج ۲، ص ۱۰۴ به بعد.

۲- رجوع کنید به: عاطفه احمدی سعدی، سمیه فرزادفر، تنها راه، درس یازدهم، ص ۱۸۸ به بعد.

درس چهارم رنج و گنج

آنچه در این درس می خوانیم:
- انتظار امام علیه السلام از شیعیان

سرآغاز

«سخنان نورانی و ادعیه ماثور آن امام پنهان از دیده عجل الله تعالی فرجه الشریف درس نامه بزرگ تربیتی است که از سالکان کوی یار و رهروان راه انتظار، دستگیری و تا رسیدن به مقصد و نیل به مقصود آنها را همراهی می کند.»^۱ برای شنیدن انتظار امام و مولایمان از ما، زانوی ادب زده و با تمام وجودمان گوش فرا می دهیم تا در پرتو کلمات حضرت، گامی در سلسبیل معرفت بگذاریم که غرق شدن در اینجا همانا نجات است (تمام مطالب این بخش از دعای شریف امام زمان علیه السلام برداشت شده است که متن دعا نیز در پایان خواهد آمد).

انتظار امام از شیعیان در حوزه های مختلف

اول: حوزه امور شخصی

۱. توفیق طاعت: منتظر راستین هم اهل اطاعت از خدا، پیامبر و امامان معصوم علیهم السلام است و هم توفیق چنین فرمانبری ای را همواره از خدای سبحان می خواهد: «اللَّهُمَّ ارْزُقْنَا تَوْفِيقَ الطَّاعَةِ».
۲. دوری از معصیت: گناهان، موانع مسیر حرکت به سوی خدا و مهم ترین عامل سقوطاند. بنابراین امام رئوف به ما می آموزد که درخواستمان نه تنها ترک گناه، بلکه دوری از معصیت نیز باشد: «وَأَبْدَ الْمُعْصِيَةِ».

۱. آیت الله جوادی آملی، امام مهدی موجود موعود، ص ۲۰۰.

۳. نیت خالصانه: اصلاح در نیت و خلوص هرچه بیشتر و دوری از هر گونه ریا، به گونه‌ای که چیزی به جز اطاعت و انجام آنچه موجب رضای حق است در نیت انسان سهم نداشته باشد، از وظایف اهل انتظار است: «وَصِدْقَ النِّيَّةِ».

۴. شناخت محرمات الهی: ترک گناهان ممکن نیست، مگر با شناختن چیزهایی که خداوند سبحان با حکمت بالغه‌اش بر بندگان حرام کرده است: «وَعِرْفَانَ الْحُرْمَةِ».

۵. درخواست هدایت خاص: انسانی که در انتظار کریم‌ترین انسان عصرش به سر می‌برد، بایسته است که از خداوند عطا و ازدیاد و حفظ کرامت خود را طلب کند. بی‌شک آنچه مایه کرامت جان آدمی است، هدایت یافتن به نور دین الهی و حفظ تقواست: «وَ اَكْرِمَنَا بِاَهْدِي».

۶. درخواست استقامت در مسیر هدایت: بسیار کسانی بوده و هستند که از هدایت الهی بهره‌مند بوده‌اند، اما با پای جهل و شهوت از جاده هدایت الهی خارج شده‌اند. برای تحقق اهداف بلند حضرت مهدی عجل الله تعالی فرجه الشریف پایداری از ارکان ضروری است: «وَ الْاِسْتِقَامَةَ».

۷. راست‌گویی و حق‌گویی: حفظ و صیانت از زبان ضروری است، چرا که زبان راست‌گو ریشه در اندیشه‌ای حق و راست دارد. سخن بی‌محتوا و بی‌فایده نه در امر دین سود می‌رساند و نه در کار دنیا ثمری می‌بخشد. لغو از زبان حکیم بیرون نمی‌آید و کسی که می‌خواهد برای اعتلای کلمه حق استقامت بورزد، باید زبان خود را با صیانت و حکمت مستقیم کند: «وَ سَدَّدَ اَلْسِنَتَنَا بِالصَّوَابِ وَ الْحِكْمَةِ».

۸. سرشاری از نور علم و نور معرفت: منتظر برای اینکه تناسبی با مولای خود بیابد، پای در میدان تعلیم و تعلم می‌گذارد تا با علوم

اكتسابی، سلاحی نورانی در اختیار داشته باشد. همچنین تهذیب دل می‌کند تا با علم حضوری ادراک حقایق کند. اما منتظر به کسب علم بسنده نمی‌کند و با ادراک گستره و عمق علوم و پیاده کردن آن در وجود خود، به کسب معرفت نایل می‌آید. منتظر به مقدار کم از علم و معرفت رضایت نمی‌دهد و خواستار پرشدن قلب خود از نور علم و معرفت است، تا آنجا که هیچ جایی برای سیاهی و ظلمت باقی نماند: «وَأَمَلْنَا قُلُوبَنَا بِالْعِلْمِ وَالْمَعْرِفَةِ».

دوم: حوزه امنیت اقتصادی

داشتن فعالیت اقتصادی سالم و مشروع که زمینه درآمد و ارتزاق انسان باشد، از وظایف اهل انتظار است. فعالیت‌های اقتصادی مشروع، افزون بر اینکه فرد و جامعه را از محصول آن بهره‌مند می‌سازد، زمینه درآمدهای نامشروع را نیز ضعیف می‌کند و در نتیجه، امنیت اقتصادی را به ارمغان می‌آورد. این مهم جز با اهتمام به مفاد این دعای شریف به دست نخواهد آمد که موارد آن به شرح زیر است:

۱. دوری از اموال و درآمدهای ناسالم و نامشروع که معمولاً محصول گذشتن از خطوط قرمز احکام الهی و ظلم و اجحاف به حق دیگران است: «وَ طَهَّرْ بَطُونَنَا مِنَ الْحَرَامِ».
۲. پرهیز از درآمدهایی که حلال یا حرام بودن آنها مبهم و نامشخص است: «وَ الشُّبُهَةِ».

سوم: حوزه امنیت اجتماعی

انسانی که آروزی زندگی در جامعه مهدوی تمام دل او را پر کرده، تلاش دارد جامعه‌اش در نزدیک‌ترین نقطه به آرمان‌شهر مهدوی قرار

بگیرد. لذا این موارد را رعایت خواهد کرد:

۱. **حفظ حریم دیگران:** ضایع کردن حقوق، خواه در حق خویش باشد یا دیگران، از حقوق الهی باشد یا حقوق مخلوقات، مادی باشد یا معنوی، معنای حقیقی ظلم است و دوری از ظلم در جمیع مراتبش از وظایف جامعه منتظر است: «وَ اكْفُفْ اَيْدِيَنَا عَنِ الظُّلْمِ وَ السَّرْقَةِ».

۲. **چشم‌های پاک و امانتدار:** لیاقت رؤیت نور جمال الهی برای چشم‌های پاک مقدور و ممکن است و خروج از مسیر تقوی و اعتدال، ضلالت می‌باشد. کج‌روی در حفظ امانت الهی، خیانت محسوب می‌شود: «وَ اغْضُضْ اَبْصَارَنَا عَنِ الفُجُورِ وَ الخِيَانَةِ».

۳. **گوش‌های پاک:** هرزه‌شنوی هم مانند هرزه‌گویی آلوده‌کننده است و اگر جامعه‌ای اهل هرزه‌شنوی نباشد، ریشه هرزه‌گویی هم قطع می‌شود. گوشه‌هایی که با لغو و غیبت آلوده شوند، قابلیت تام خود را در شنیدن کلام عرشی ولی الله الأعظم از دست می‌دهند. «غیبت» آن است که در غیاب مسلمانی سخنی گفته شود که اگر بشنود، ناراحت شود. این گناه بزرگ در کدورت روح انسان و تضييع قابلیت هدایت وی نقش عمده‌ای دارد. به همین دلیل مولای رئوف ما به ما می‌آموزد که: «وَ اسْدُدْ اَسْمَاعَنَا عَنِ اللُّغْوِ وَ الغَيْبَةِ».

وظایف گروه‌های مختلف

۱. وظایف علما

در این دعای شریف در بین اصناف و گروه‌ها ابتدا نام علما آورده شده است. این مطلب نشان دهنده وظیفه مهم ایشان در زمینه‌سازی ظهور حجت الهی عجل الله تعالی فرجه الشریف است. از جمله وظایف علما عبارت است از:

الف - زهد: دنیاطلبی و رغبت باطنی به آنچه وابسته به دنیا است، بزرگ‌ترین آفت دانشمندان است.^۱ دنیاطلبی چهره‌های مختلفی دارد؛ چهره‌هایی مانند: ریاست، شهرت، ثروت، شهوت و... : «و تَفَضَّلَ عَلَيَّ عُلَمَائِنَا بِالزُّهْدِ».

ب - نصیحت: واژه «نُصَح» به معنای خلوص تمام و پاکی از هر شائبه و ناخالصی است. از این بخش نورانی چنین برمی‌آید که دانشمندان باید هم در اندیشه و قول و فعل خویش از هر شائبه آلوده‌کننده‌ای پیراسته باشند و هم با یکرنگی و خلوص، خیرخواه امت باشند و فقط به خیر و صلاح آنان بیندیشند، سخن بگویند و کار کنند. چنین عالمانی از انتظار راستین برخوردارند، چنان که امام منتظر آنان در زهد و نصیحت برترین انسان عصر خویش است و آنکه با امامش سنخیت ندارد، نمی‌تواند منتظر او باشد: «و النَّصِيحَةَ».

۲. وظایف دانشجویان

تلاش و رغبت در راه علم‌اندوزی: «جهد» یعنی به کار بستن تمام توان و کوشش انسان در مسیر رسیدن به مقصود و نیز به معنای رغبت و تمایل شدید است. فرد یا جامعه جاهل، به مراتب حقیقی انتظار دست نمی‌یابد و احساس اضطرار و فقر به خزانه علم الهی نخواهد داشت. البته تلاش بی‌رغبت نیز به سردی و سستی می‌گراید و متوقف و خاموش می‌شود: «و عَلَى الْمُتَعَلِّمِينَ بِالْجُهْدِ وَالرَّغْبَةِ».

۳. وظایف مستمعان

از مردمی که نه در صف علما هستند و نه در زمره دانشجویان، با

۱. غرر الحکم، ص ۸۴ بحار الانوار، ج ۲، ص ۵۲.

ظرافت خاصی به «مستمعین» یاد شده است تا بفهماند اگر کسی از دو گروه مذکور نیست، برای سعادت‌مندی راهی جز گوش کردن و متابعت از راه‌شناسان ندارد. از جمله وظایف مستمعان عبارت است از:

الف - اتباع: حرکت همراه با میل و اراده در پشت سر کسی یا چیزی را «متابعت» می‌گویند، خواه در عمل تابع او گردد یا در فکر و نظر. بنابراین نخستین ویژگی اهل استماع آن است که با میل و رغبت در پی دین‌شناسان و عالمان ربّانی که مقصد و مقصود اوامر معصومان علیهم‌السلام را می‌شناسند، حرکت کنند و از مسیر نورانی قرآن و عترت منحرف نشوند: «وَعَلَى الْمُسْتَمِعِينَ بِالِاتِّبَاعِ».

ب - اتعاظ (موعظه‌پذیری): واژه «موعظه» به معنای ارشاد به حق از راه تذکرها مفید و اثرگذار است. لیکن به قرینه مقام و نیز قرائن لفظی مانند «مستمعین» و «اتباع» چنین فهمیده می‌شود که موعظه در اینجا به معنای «اتعاظ» یعنی پندپذیری و قبول ارشاد است. بر این اساس، منتظران مستمع باید قلب خویش را بر سخنان حکیمانه عالمان ربّانی که برگرفته از معارف ناب قرآن و عترت است، بگشایند: «وَالْمَوْعِظَةَ».

۴. وظایف کهنسالان

اینان در هر اجتماع با کوله‌باری از تجربه‌های اندوخته و درس‌های آموخته از زندگی در حرکت و تربیت جوامع نقش چشم‌گیری دارند که تربیت جامعه منتظر نیز از این قاعده بیرون نیست. از جمله وظایف کهنسالان عبارت است از:

الف - حفظ وقار: «وقار» به معنای متانت و سنگینی و در برابر خفت و سبکی است. البته متانت در اندیشه و عمل، اوج وقار است: «وَعَلَى مَشَائِخِنَا بِالْوَقَارِ».

ب - حفظ سکینه: «سکینه» استقرار و آرامش جسمی و روحی است. اگرچه اقتضای طبیعت کهنسالی کم‌صبری و بی‌قراری است، بر پیران منتظر شایسته و بایسته است تا به هنگام غضب یا هر زمینه محرکی که آنان را به اضطراب و بی‌ثباتی در گفتار و رفتار می‌کشاند، آرامش و وزانت خویش را حفظ کنند: «وَالسَّكِينَةَ».

تردیدی نیست که کهنسالی آراسته به وقار و سکینه، پناهگاه مطمئن و مهربانی برای جوانان طالب شفقت و اندوخته‌های ارزشمند پیران، آسان‌کننده حرکت جوانان در مسیر تعالی است.

۵. وظایف جوانان

طبیعت پرانرژی جوان که بهترین ابزار صعود او به درجات والای مادی و معنوی است، اگر به فرمان عقل در نیاید، خود سرچشمه فسادگری می‌شود که نیروی جوانی را به بیراهه برده و ضایع می‌کند. بر همین مبنا، از جمله وظایف جوان منتظر عبارت است از:

الف - انابه: «انابه» روی گرداندن از غیر خدا و توجه تام به خدای سبحان است. جوان است که می‌تواند چهره جان خویش را به سوی خدای بزرگ معطوف دارد و برای او خالص شود: «وَعَلَى الشَّابِّ بِالْإِنَابَةِ».

ب - توبه: طبیعت پرشور جوان احتمال راهزنی شیطان و افتادن به دام گناه را در او افزایش می‌دهد. به همین دلیل، جوانان باید نظارت دائم بر اعمال و افکار خویش داشته باشند و در صورت آلودگی، به دریای بی‌کران رحمت الهی بازگشته و به آب توبه خود را شستشو دهند: «وَالتَّوْبَةَ».

البته توبه دو گونه است: توبه برای رفع و درمان و توبه برای دفع و بهداشت. آنچه از توبه در ذهن‌ها بیشتر شکل گرفته است، توبه پس از خطا و معصیت است که ما آن را «توبهٔ درمانی» می‌نامیم. اما نوع دیگری از توبه نیز هست که برای پیشگیری از خطا صورت می‌گیرد. در این توبه، بنده بی‌آنکه گناهی کرده باشد، با طلب غفران از خداوند، خود را از پرتگاه معصیت دور می‌کند. بعضی از اهل علم، استغفار انبیا و ائمه علیهم السلام را که معصوم هستند، به این عنوان بر می‌گردانند که ما نام آن را «بهداشت از گناه» یا «توبهٔ دفعی» می‌گذاریم.

گفتنی است انابه و توبه برای هر کس و در هر جایگاه سنی و اجتماعی ضروری است. اما شرایط دوران جوانی بیشتر خواهان آن و ممکن برای آن است.

۶. وظایف زنان

زنان بخش مهم و بزرگی از جامعهٔ اسلامی‌اند که سهم بسیاری در تأمین آرامش و امنیت روانی جامعه دارند. آفت بزرگی که می‌تواند مانع کارکردِ ثمربخش این بخش از اجتماع شود و آنان را که قادرند عامل سعادت فرد و جامعه باشند، به ابزار انحطاط خویش و جامعه‌شان بدل کند، فقدان دو صفت است:

الف - حياء: «حیا» به معنای مراقبت از نفس در برابر هر نوع آلودگی و زشتی و عیب است. بانوان منتظر، امانتداران ظهور اسماء جمالی خداوند هستند.^۱ این امانت بزرگ الهی، با حیا حفظ و مراقبت می‌شود: «وَعَلَى النِّسَاءِ بِأَحْيَاءٍ».

۱. برای توضیح و تبیین، به کتاب «زن در آینه جمال و جلال»، نوشته آیت‌الله جوادی آملی مراجعه فرمایید.

ب - عفت: حفظ عفت یعنی نگه داشتن نفس از تمایلات و شهوات نفسانی. بسا که جاهلیت مدرن روزگار ما تمایلات و هواهای نفسانی را دامن بزند و شهوات را برای انسان زینت دهد. اما بر بانوان منتظر شایسته است که هیچ زینتی را بیرون از حوزه جانشان و هیچ افتخاری را برتر از حفظ گوهر الهی وجودشان نشناسند: «وَالْعِفَّةُ».

البته این دو فضیلت اختصاص به بانوان ندارد، بلکه حیا و عفت بر هر فردی زیبنده است و برای زنان زیبنده‌تر.

۷. وظایف ثروتمندان

میان ثروتمندان جامعه اسلامی که در انتظار مهدی موعود عجل الله تعالی فرجه الشریف به سر می‌برند و مال‌اندوزانی که اموال و تجارتشان را از خداوند بیشتر دوست می‌دارند^۱، فاصله بسیاری است. ثروتمندان منتظر به اوصاف ذیل آراسته‌اند:

الف - تواضع: استکبار و خود برتر بینی، انسان را از خداوند غافل می‌کند و به ورطه هلاکت می‌افکند. خطر ابتلا به این آفت، زمانی جدی‌تر می‌شود که بشر بر اثر توانایی و تمویل خدادادی، قارونی و فرعون‌ی بیندیشد و ثروت را دستاورد تلاش‌های خویش و قدرت را محصول توانایی تدبیرش بیندارد. اما منتظر، ثروت خود را از آن خداوند دانسته و خویش را در ردیف سایر بندگان خدا می‌داند: «وَعَلَى الْاَغْنِيَاءِ بِالتَّوَّاضِعِ».

ب - وسعت‌بخشی: بر اغنیا و ثروتمندان منتظر شایسته است که به شکرانه تفضل الهی و به پاس بهره‌مندی از نعمت خدادادی مال، به

۱. سوره مبارکه توبه، آیه ۲۴.

دستگیری از نیازمندان و رفع مشکلات برادران و خواهران ایمانی خویش پردازند و نه تنها حقوق شرعی خویش - چون خمس و زکات و... - را ادا کنند، بلکه به شناسایی نیازمندان بکوشند و تا جایی که می‌توانند، در رفع تنگنای زندگی دیگران مؤثر باشند: «وَالسَّعَةِ».

۸. وظایف مستضعفین

ثروتمندان جامعه اسلامی وظیفه رسیدگی به نیازمندان را دارند. اما مستضعفان هم باید دو ویژگی را در خود تقویت کنند:

الف - صبر: «صبر» حفظ نفس از بی‌تابی، جَزَع و آشفتگی است، نه خاموشی و انفعال. مستضعفان اگر در مقابل آشفتگی و بی‌تابی مقاومت نمایند، در قامت منتظران در آمده‌اند: «وَعَلَى الْفُقَرَاءِ بِالصَّبْرِ».

ب - قناعت: آتش زیاده‌خواهی و طمع آن هنگام که با سوز تنگدستی همراه شود، ایمان را سوزانده و بر باد می‌دهد و انسان را به کفر نزدیک می‌سازد. قناعت که زندگی کردن به میزان توان و امکانات موجود است، گنج بی‌پایانی است که فرد را از احساس ناداری رهانیده و زمینه رشد و ارتقای او را فراهم می‌آورد. پس بر اقشار کم‌درآمدی که دل در گرو ظهور امام زمان عجل الله تعالی فرجه الشریف دارند، بایسته است که با تدبیر معیشت خویش بر محور قناعت، افزون بر صیانت از عزت نفس، زمینه ساز ظهور آن حضرت باشند: «وَالْقَنَاعَةِ».

۹. وظایف حاکمان و فرماندهان

مدیران جامعه از مؤثرترین افراد در ساختن جامعه منتظر هستند که باید دو وظیفه را انجام دهند:

الف - عدالت: «عدالت» به معنای حرکت میان افراط و تفریط است،

به گونه‌ای که هیچ زیاده و نقصی بر آن وارد نباشد. رعایت و اجرای عدالت در تمام شؤون مدیریت جامعه اسلامی، از وظایف سنگین حاکمان حکومت اسلامی در عصر غیبت است: «وَعَلَى الْأُمَرَاءِ بِالْعَدْلِ».

ب - شفقت: دلسوزی و مدارای افراطی و نیز سختگیری و شدت افراطی، آفات اداره جامعه‌اند. بر حاکمان منتظر لازم است که با برگزیدن رفتاری مشفقانه - که دلسوزی و آسان‌گیری همراه با صلاحیت و قاطعیت و قدرت است - جامعه را به سوی ظهور دولت مهدوی رهنمون شوند: «وَالشَّفَقَةُ».

۱۰. وظایف نیروهای نظامی

الف - نصر: اولین وظیفه نیروهای نظامی تلاش در جهت تقویت و دفاع از کیان دین است تا از این راه از نصرت خدای سبحان برخوردار گردند: «وَعَلَى الْغُرَاةِ بِالنَّصْرِ».

ب - غلبه: برتری قدرتمندانه بر آنان که در برابر اندیشه توحیدی به معارضة برمی‌خیزند، خواسته حضرت بقیه الله عجل الله تعالی فرجه الشریف است. از این رو تلاش در جهت دستیابی به توانایی‌های تکنیکی و تاکتیکی و آخرین دستاوردهای دفاعی^۱ و از طرفی کوشش در جهت تقویت ایمان و صبر و استقامت، وظیفه گروه‌های نظامی در عصر غیبت است: «وَالْغَلْبَةُ».

۱۱. وظایف توده مردم

امت اسلامی نیز در برابر حاکمان خویش در عصر غیبت ولی الله

۱. سوره مبارکه انفال، آیه ۶۰ و ۶۵

الاعظم عجل الله تعالى فرجه الشريف وظایفی برعهده دارند که عبارتند از:

الف - انصاف: نخستین وظیفه توده مردم در برابر هم و نیز در برابر حکومت اسلامی رعایت اعتدال و مساوات در ادای حق یا همان انصاف است. اگر توده مردم با رعایت حق و انصاف با حاکمان روبه‌رو شوند، به تقویت قوت‌ها و اصلاح کاستی‌ها می‌انجامد. لذا عمل از روی انصاف از اولین وظایف امت منتظر است: «وَعَلَى الرِّعِيَةِ بِالْإِنصَافِ».

ب - رفتار نیکو: دومین وظیفه توده مردم منتظر، رفتار نیکو و به دور از حبّ و بغض‌های بی‌پایه و زشتی‌های اخلاقی است که مایه اصلاح حاکمان و امیدبخشی به خادمان حکومت اسلامی و نیز ناامیدی دشمنان و فزونی اتحاد و انسجام امت است. توجه به امکانات و توانایی‌های موجود و یاری دادن دولت اسلامی برای حصول پیشرفت‌ها و رفع کاستی‌های جامعه اسلامی از مصادیق عمل به این وظیفه است: «وَحُسْنِ السَّيْرِ».

دیگر وظایف منتظران

این دعای ارزشمند فقرات دیگری نیز دارد که گرچه از ظاهر عبارت آنها وظیفه منتظران به روشنی برداشت نمی‌شود، ولی برای تحقق مقصود و مطلوب ولی عصر عجل الله تعالى فرجه الشريف باید منتظران تلاش و کوشش خود را در حد امکان انجام دهند. این وظایف عبارتند از:

۱. ارتقای سطح بهداشت عمومی: آماده کردن ابزار صحت و سلامت بیماران از وظایف آحاد مردم و حکومت اسلامی است: «وَعَلَى مَرَضَى الْمُسْلِمِينَ بِالشِّفَاءِ وَ الرَّاحَةِ».

۲. یادکرد رفتگان و طلب رأفت و رحمت الهی برای آنان: خیرات و

مبرات برای درگذشتگان علاوه بر بهره‌های فرامادی‌ای که برای آنان دارد، موجب یاد معاد و حفظ رابطه عاطفی با آن عزیزان و نیز ابراز همدردی با مصیبت‌دیدگان هم می‌شود: «وَعَلَىٰ مَوْتَاهُمْ بِالرَّأْفَةِ وَ الرَّحْمَةِ».

۳. فقدان اسیر و زندانی: اگر مصداق بارز اسارت (انسان) را در بعد اجتماعی بدانیم، چاره‌جویی و برنامه‌ریزی برای تأمین امنیت اجتماعی و کاستن از زمینه‌های جرم و جنایت و تعدی که عامل محیطی اسارت انسان‌هاست، از اموری است که جامعه منتظر باید به آن همت گمارد: «وَعَلَىٰ الْأَسْرَاءِ بِالْخُلَاصِ وَ الرَّاحَةِ».

۴. تأکید بر مسأله حج و عمره: این تأکید نشان از اهمیت والای این برنامه عبادی - سیاسی است. تسهیل در تهیه امکانات سفر حج و عمره و ایجاد زمینه‌های لازم جهت انجام دادن هرچه بهتر اعمال حج - که آموزش دقیق و صحیح معارف و بایسته‌های زیارت هم از لوازم آن می‌باشد - از وظایف حکومت اسلامی است: «وَبَارِكْ لِلْحُجَّاجِ وَ الزُّوَّارِ فِي الزَّادِ وَ النَّفَقَةِ وَ اقْضِ مَا أَوْجَبْتَ عَلَيْهِمْ مِنَ الْحَجِّ وَ الْعُمْرَةِ».

حال که با وظایف منتظران آشنا شدیم، جا دارد که از منبع و منشأ این معارف ارزنده نور بگیریم. متن دعای شریف حضرت امام عصر عجل الله تعالی فرجه الشریف گوارای جانتان:

اللَّهُمَّ ارْزُقْنَا تَوْفِيقَ الطَّاعَةِ وَ بُعْدَ الْمَعْصِيَةِ وَ
صِدْقَ النِّيَّةِ وَ عِرْفَانَ الْحُرْمَةِ وَ أَكْرِمْنَا بِالْهُدَىٰ وَ
الْإِسْتِقَامَةِ وَ سَدِّدْ أَسْنَتَنَا بِالصَّوَابِ وَ الْحِكْمَةِ وَ
امَلَأْ قُلُوبَنَا بِالْعِلْمِ وَ الْمَعْرِفَةِ وَ طَهِّرْ بَطُونَنَا مِنْ

الْحَرَامِ وَالشُّبْهَةِ وَكَفُّ أَيْدِينَا عَنِ الظُّلْمِ وَالسَّرِقَةِ وَاغْتِضُضْ أَبْصَارَنَا عَنِ الْفُجُورِ وَالْخِيَانَةِ وَاسْدُدْ أَسْمَاعَنَا عَنِ اللَّغْوِ وَالْغَيْبَةِ وَتَفَضَّلْ عَلَيَّ عُلَمَائِنَا بِالزُّهْدِ وَالنَّصِيحَةِ وَعَلَى الْمُتَعَلِّمِينَ بِالْجُهْدِ وَالرَّغْبَةِ وَعَلَى الْمُسْتَمِعِينَ بِالِاتِّبَاعِ وَالْمَوْعِظَةِ وَعَلَى مَرْضَى الْمُسْلِمِينَ بِالشِّفَاءِ وَالرَّاحَةِ وَعَلَى مَوْتَاهُمْ بِالرَّأْفَةِ وَالرَّحْمَةِ وَعَلَى مَشَائِخِنَا بِالْوَقَارِ وَالسَّكِينَةِ وَعَلَى الشُّبَابِ بِالْإِنَابَةِ وَالتَّوْبَةِ وَعَلَى النِّسَاءِ بِالحَيَاءِ وَالْعِفَّةِ وَعَلَى الْأَغْنِيَاءِ بِالتَّوَاضُّعِ وَالسَّعَةِ وَعَلَى الْفُقَرَاءِ بِالصَّبْرِ وَالْقِنَاعَةِ وَعَلَى الْغَزَاةِ بِالنَّصْرِ وَالْغَلْبَةِ وَعَلَى الْأَسْرَاءِ بِالْخُلَاصِ وَالرَّاحَةِ وَعَلَى الْأُمَرَاءِ بِالْعَدْلِ وَالشَّفَقَةِ وَعَلَى الرَّعِيَةِ بِالْإِنصَافِ وَحُسْنِ السِّيَرَةِ وَبَارِكْ لِلْحُجَّاجِ وَالزُّوَّارِ فِي الزَّادِ وَالنَّفَقَةِ وَاقْضِ مَا أَوْجَبْتَ عَلَيْهِمْ مِنَ الْحَجِّ وَالْعُمْرَةِ بِفَضْلِكَ وَرَحْمَتِكَ يَا أَرْحَمَ الرَّاحِمِينَ.

خودآزمایی

۱. برای اینکه جامعه جهانی تبدیل به جامعه منتظر بشود، باید چه مراحل را طی کند و ما چه فعالیتی می‌توانیم داشته باشیم؟
۲. با توجه به مباحث ارائه شده، بحث مهدویت بیشتر رنگ و بوی فردی دارد یا اجتماعی؟ از این منظر وضعیت فعلی جامعه را آسیب‌شناسی کنید؟

برای مطالعه بیشتر

- درسنامه مهدویت، خدامراد سلیمیان، مرکز تخصصی مهدویت، قم، جلد دوم.
- تنها راه، عاطفه احمدی سعدی، سمیه فرزادفر، مرکز تخصصی مهدویت، قم.
- امام مهدی؛ موعود موجود، آیت‌الله جوادی آملی، موسسه اسراء، قم.
- آشتی با امام زمان علیه‌السلام، محمد شجاعی، نشر محیی، قم.

درس پنجم
گفتا تو خود جابجا!

آنچه در این درس می‌خوانیم:
- راه‌های ارتباط شیعیان با امام علیه‌السلام

سرآغاز

ضرورت وجود حضرت ولی عصر از اصلی‌ترین باورهای مذهب حقّه تشیع است که عدم وجود و یا انکار این اعتقاد، مساوی با خروج از مرز شیعیگی است. یکی از مهمترین مسائلی که با این اعتقاد همراهی می‌کند این است که ارتباط با ایشان چگونه محقق خواهد شد؟ آیا دوستداران و شیعیان حضرت می‌توانند از نعمت دیدار ایشان بهره‌مند شوند؟

در پاسخ باید گفت که هرکس در سطح خاصی با مولای خود ارتباط برقرار می‌کند و گرچه مراتب این ارتباط بی‌شمار است، اما می‌توان تمام آنها را در چند مرتبه زیر خلاصه کرد:^۱

۱. گاهی ارتباط، قلبی است و دل مؤمن به قلب امام خود گره خورده و وابسته به آن می‌گردد.

۲. گاهی ارتباط دیداری تحقق می‌یابد؛ در این صورت، فرد موفق به دیدار مولای خود می‌گردد.

۳. گاهی هم ارتباط به وصال تبدیل شده و مؤمن هیچ‌گاه از امام خود بریده و جدا نیست؛ در این صورت، کامل‌ترین مراتب ارتباط برای شخص حاصل شده است.

در این گفتار به بررسی ارتباط در ظاهر و خارج - که از آن به «دیدار» یاد شده است - می‌پردازیم.

۱. مرتضی آقاچه‌رانی، سودای روی دوست، ص ۱۹.

اهل بیت علیهم السلام مشتاق دیدار مهدی موعود عجل الله تعالی فرجه الشریف
حضرت سجاد علیه السلام در دعایی که به حرز آن حضرت مشهور است،
از خداوند متعال اینچنین تمنا می‌نمایند:

«... وَ ارزُقْنِي رُؤْيَةَ قَائِمِ آلِ مُحَمَّدٍ»^۱

خداوندا! ... دیدار قائم آل محمد را روزی‌ام گردان!

دعای عهد امام صادق علیه السلام گویای اشتیاق به دیدار حضرت صاحب
عجل الله تعالی فرجه الشریف است:

«اللَّهُمَّ ارِنِي الطَّلْعَةَ الرَّشِيدَةَ وَ الْغُرَّةَ الْحَمِيدَةَ وَ

اَكْحُلْ نَازِرِيَّ بِنَظَرَةٍ مَنِّي إِلَيْهِ»^۲

پروردگارا! آن طلعت زیبای رشید و آن تابندهٔ پسندیده را به
من بنمای! و چشم را به دیدارش سرمه بکش!

قسمت اول: امکان زیارت

به سه دلیل زیارت جمال دل‌آرای حضرت صاحب الامر عجل الله تعالی
فرجه الشریف ممکن است.

۱. دلیل عقلی

مقدمه اول: هیچ لحظه و زمانی نیست که فرد و جامعه و حتی عالم،
بی‌نیاز از امام و حجت خدا باشد. به گوش جان بشنو که امام، محور
هستی و ید طولای الهی در چهرهٔ یک بشر است:

«بِيَمِينِهِ رِزْقُ الْوَرَىٰ وَ بِوُجُوْدِهِ ثَبَّتِ

۱. شیخ عباس قمی، مفاتیح الجنان، حرز امام سجاد علیه السلام.

۲. همان، دعای عهد.

الأرضُ و السماءُ^۱

به برکت او بندگان روزی داده می‌شوند و با وجود او زمین و آسمان استوار گشته‌اند.

مقدمهٔ دوم: یکی از معانی غیبت، «خفای عنوان و شخصیت امام علیه‌السلام» است؛ یعنی حضرت در زمان غیبت در میان مردم به طور طبیعی رفت‌وآمد دارند و هر ساله در مراسم حج شرکت می‌کنند و مردم ایشان را می‌بینند، ولی نمی‌شناسند^۲. این حالت تا زمانی که خداوند فرمان ظهور و قیام امام را صادر نکرده، ادامه دارد.

مقدمهٔ سوم: سال ۳۲۹ هـ. ق. آغاز غیبت کبری است و تا وقتی خداوند اراده کند، ادامه دارد. در طول این مدت، حضرت در کرهٔ زمین به صورت طبیعی زندگی می‌کنند.

نتیجه: هیچ‌گونه منع عقلی برای دیدن کسی که مثل سایر انسان‌ها مسکن، خوراک، پوشاک و رفت‌وآمد دارد، وجود ندارد و ناشناس بودن، مانع نیست.

البته باید توجه داشت که حکمت و فلسفهٔ غیبت، مبتنی بر مصالح کلی و عام است؛ مصالحی که مربوط به همهٔ بشریت‌اند و باعث شده‌اند تا حضرت ولی عصر عجل الله تعالی فرجه الشریف از دیدگان عموم مردم مخفی باشد. بدیهی است که چنین چیزی منافاتی با رؤیت آنی و مقطعی بعضی از افراد، در موارد نادر و بنا به مصالح خاص، ندارد، چرا که فلسفهٔ غیبت، امکان دسترسی و رؤیت عمومی امام علیه‌السلام و نیز امکان رؤیت افراد خاص به‌طور مداوم را نفی می‌کند.

۱. همان، دعای عدیله.

۲. کلینی، اصول کافی، باب فی الغیبة، ح ۴.

۲. دلیل نقلی

روایاتی را که در مورد دیدار حضرت قائم آل محمد عجل الله تعالی فرجه الشریف است، به سه دسته تقسیم می‌کنیم:

الف - حضرت در میان مردم ناشناس رفت و آمد می‌کنند. امام صادق علیه‌السلام می‌فرمایند:

«فَمَا تُنْكِرُ هَذِهِ الْأُمَّةُ أَنْ يَفْعَلَ اللَّهُ — جَلَّ وَ عَزَّ — بِحُجَّتِهِ كَمَا فَعَلَ بِيُوسُفَ أَنْ يَمْشِيَ فِي أَسْوَاقِهِمْ وَيَطَّأُ بُسُطَهُمْ حَتَّى يَأْذَنَ اللَّهُ فِي ذَلِكَ لَهُ كَمَا أَذِنَ لِيُوسُفَ قَالُوا "أَأِنَّكَ لِيُوسُفُ؟ قَالَ أَنَا يُوسُفُ"»^۱

چه شده است که این امت، غیبت صاحب‌الامر را انکار می‌کنند؟ چرا نمی‌اندیشند به اینکه خداوند آن کاری را که با یوسف علیه‌السلام کرد، با حجتش نیز [در مسأله غیبت] انجام می‌دهد که او در بازارشان حرکت می‌نماید و در خانه‌های آنان فرود می‌آید، تا اینکه خداوند به او اذن دهد، همان‌گونه که به یوسف اذن داد؛ هنگامی که از او پرسیدند: آیا تو واقعاً یوسفی؟ گفت: آری، من یوسفم.

ب - همانند بعضی انبیاء الهی دیده می‌شود:

«وَ أَمَّا سُنَّتُهُ مِنْ يُوسُفَ السَّرِّ، يَجْعَلُ اللَّهُ بَيْنَهُ وَ بَيْنَ الْخَلْقِ حِجَاباً يَرَوْنَهُ وَ لَا يَعْرِفُونَهُ»^۳

۱. سوره مبارکه یوسف، آیه ۹۰.

۲. کلینی، اصول کافی، ج ۱، ص ۳۳۷.

۳. شیخ صدوق، کمال الدین و تمام النعمة، ج ۲، ص ۳۵۱.

سنت یوسف علیه‌السلام در مورد حضرت مهدی علیه‌السلام پنهان بودن او از دیدگان و ناشناس بودن اوست که مردم او را می‌بینند ولی نمی‌شناسند.

ج - عده‌ای از خواص شیعیان از محل زندگی حضرت آگاهند و افتخار خدمت‌گذاری مستقیم به ایشان را دارند! مفضل بن عمرو از امام صادق علیه‌السلام نقل می‌کند که ایشان فرمودند:

«إِنَّ لِصَاحِبِ هَذَا الْأَمْرِ غَيْبَتَيْنِ إِحْدَاهُمَا تَطُولُ حَتَّى يَقُولَ بَعْضُهُمْ مَاتَ وَ بَعْضُهُمْ يَقُولُ قُتِلَ وَ بَعْضُهُمْ يَقُولُ ذَهَبَ؛ فَلَا يَبْقَى عَلَى أَمْرِهِ مِنْ أَصْحَابِهِ إِلَّا نَفَرٌ يَسِيرٌ لَا يَطَّلِعُ عَلَى مَوْضِعِهِ أَحَدٌ مِنْ وَلِيِّ وَ لَا غَيْرِهِ إِلَّا الْمَوْلَى الَّذِي يَلِي أَمْرَهُ»^۱

برای صاحب این امر دو غیبت است که یکی از آن دو طولانی است، به قدری که بعضی می‌گویند او مرده است و بعضی دیگر می‌پندارند که او کشته شده است و بعضی خیال می‌کنند که او رفته است و اثری از او باقی نیست! در آن زمان در زمره یاران وی افراد باوفا بسیار اندک می‌مانند. از دوستان و غیر دوستان کسی از محل او آگاهی ندارد، مگر افراد ویژه‌ای که عهده‌دار کار حضرت می‌باشند.

۳. دلیل عینی

بهترین دلیل بر امکان دیدار و رؤیت امام غایب وقوع دیدار و تحقق عینی آن است. این دلیل را نیز در دو بخش می‌توان بیان کرد:

۱. نعمانی، الغیبة، ص ۱۷۲.

الف - نقل تشرفات

تشرّف به محضر ولی عصر عجل الله تعالى فرجه الشريف در بیداری، بسیار نقل شده و نیاز به بررسی سندی هم ندارد، به خصوص که اکثر ناقلان و تشرّف یافتگان، جزء فقها و شخصیت‌های علمی و مذهبی شیعه می‌باشند؛ مانند: علامه بحر العلوم، مقدس اردبیلی، آیت‌الله مرعشی نجفی و...

اما از کجا می‌توان فهمید کسی که ادعای دیدار با حضرت را دارد، راست می‌گوید؟ این بسته به معاشرت و سابقه آشنایی ما با او دارد. اگر از فردی که ادعای دیدار با حضرت را کرده، اصلاً دروغی نشنیده‌ایم و او فرد صادق و موثقی است، در این صورت می‌توان به او اطمینان کرد. این ادعا اگر همراه با قراینی باشد که صحت آنها را تأیید کند، پذیرفتنی است.^۱

ب - آثار صادره از ناحیه مقدسه در عصر غیبت کبری

وجود آثار و برخی از ادعیه و اذکار منسوب به حضرت مهدی عجل الله تعالى فرجه الشريف در عصر غیبت کبری دلیل دیگری بر امکان دیدار می‌باشد، زیرا این آثار و ادعیه از راه تشرّف و ملاقات با حضرت قابل انتقال بوده و ناقلان آن نیز مشخص و شناخته شده می‌باشند. به عنوان نمونه این موارد ذکر می‌شود:

۱. دعایی که سیدبن طاووس از زبان مطهر حضرت هنگام سحرگاهان در سرداب سامرا، نقل کرده است.^۲

۲. ذکر مخصوص حضرت در حالت رکوع که در تشرّف آیت‌الله

۱. فصلنامه تخصصی انتظار، مصاحبه با آیت‌الله خرازی، شماره‌های ۸ و ۹، ص ۵۰.

۲. سید مسعود پورسید آقایی، مسیر مهر، ص ۱۰۱.

مرعشی نجفی گفته شده است.^۱

۳. دستورالعمل چگونگی استخاره، توصیه شده به آیت الله مرعشی نجفی^۲

۴. دعاهاى مأثور از حضرت^۳

بنابراین وقوع دیدار، هم از جهت دلیل روایی و هم از جهت تحقق خارجی و مصداق یابی، پشتوانه محکم و قاطعی دارد.

یک نصیحت

حضرت آیت الله بهجت (ره) می فرمایند: «لازم نیست انسان در پی این باشد که به خدمت حضرت ولی عصر علیه السلام تشریف حاصل کند، بلکه شاید خواندن دو رکعت نماز، سپس توسل به ائمه علیهم السلام برای ما بهتر از تشریف باشد. زیرا هر جا که باشیم، آن حضرت می بیند و می شنود.^۴

دوباره می شود ای خوب با تو نجوا کرد؟

ورای مشرق امید، خیمه برپا کرد؟

مقیم شد به فراسوی مرزهای زمان

در انتهای صمیمیت تو مأوا کرد؟

(سعید اصلانی)

قسمت دوم: نفی نیابت

شیعه امامیه معتقد است که با وفات آخرین نایب خاص آن حضرت در دوران غیب صغری (شیخ علی بن محمد سمري) وکالت و نیابت خاص

۱. همان.

۲. همان.

۳. صافی گلپایگانی، منتخب الأثر، ص ۶۵۵

۴. رخشاد، ۶۰۰ نکته در محضر بهجت، ص ۱۸۷، نکته ۲۷۷.

از جانب امام زمان علیه السلام خاتمه یافت. در توقیع شریفی که آخرین نایب خاص امام علیه السلام از ساحت مقدس ایشان دریافت داشت، این-گونه آمده است:

«بِسْمِ اللَّهِ الرَّحْمَنِ الرَّحِيمِ. يَا عَلِيُّ بْنُ مُحَمَّدٍ
السَّمْرِيِّ! أَعْظَمَ اللَّهُ أَجْرَ إِخْوَانِكَ فِيكَ فَإِنَّكَ
مَيِّتٌ مَا بَيْنَكَ وَ بَيْنَ سِتَّةِ أَيَّامٍ فَاجْمَعْ أَمْرَكَ وَ لَا
تُوصِ إِلَى أَحَدٍ يَقُومُ مَقَامَكَ بَعْدَ وَفَاتِكَ. فَقَدْ
وَقَعَتِ الْغَيْبَةُ الثَّانِيَةُ فَلَا ظُهُورَ إِلَّا بَعْدَ إِذْنِ اللَّهِ —
عَزَّ وَ جَلَّ — وَ ذَلِكَ بَعْدَ طُولِ الْأَمَدِ وَ قَسْوَةِ
الْقُلُوبِ وَ امْتِلَاءِ الْأَرْضِ جَوْرًا وَ سَيِّئَاتِي شِيعِيَّ
مَنْ يَدَّعِي الْمُشَاهَدَةَ. إِلَّا فَمَنْ ادَّعَى الْمُشَاهَدَةَ
قَبْلَ خُرُوجِ السُّفْيَانِيِّ وَ الصَّيْحَةِ فَهُوَ كَاذِبٌ مُفْتَرٍ
وَ لَا حَوْلَ وَ لَا قُوَّةَ إِلَّا بِاللَّهِ الْعَلِيِّ الْعَظِيمِ»^۱

به نام خداوند رحمان و رحیم. ای علی بن محمد سمری! خداوند پاداش برادرانت را درباره تو بزرگ فرماید! تو در فاصله شش روز می میری. کارهای خود را انجام بده و به هیچ کس وصیت نکن که پس از تو جانشینت باشد! چون غیبت دوم (تامه) واقع شده است و ظهوری نیست، مگر پس از اذن خداوند و آن پس از مدتی طولانی است که دل ها قسی و زمین از ستم پر شود. و به زودی عده ای از شیعیان من خواهند آمد؛ کسانی که مشاهده و دیدن را ادعا کنند! آگاه باشید که هر کس قبل از خروج سفیانی و صیحه آسمانی ادعا کند که

۱. شیخ صدوق، کمال الدین و تمام النعمة، ج ۲، ص ۵۱۶.

مرا دیده است، دروغ‌گوی افترازننده است. و نیست توان و نیرویی مگر از ناحیه خداوند بزرگ.

همان‌طور که در این توفیق شریف ملاحظه می‌کنیم، حضرت با صراحت هرگونه ادعای نیابت خاص و سفارت و ارتباط همیشگی را تکذیب و رد می‌کنند؛ ارتباطی که هر وقت شخص بخواهد، ایشان را مشاهده و دستورهای آن حضرت را برای مردم ابلاغ نماید. بنابراین، وظیفه مؤمنان هم رد و تکذیب مدعیان نیابت و سفارت در عصر غیبت کبری است.

خودآزمایی

۱. سه آسیب فردی و اجتماعی برای ارتباط‌گرایی و دیدارخواهی را ذکر کنید.

۲. سه فایده فردی و اجتماعی ارتباط‌گرایی و دیدارخواهی را بیان کنید.

۳. معیار و ملاک صحت و تأیید تشرفات به محضر حضرت چیست؟

۴. تکذیب و رد مدعیان نیابت و ارتباط همیشگی با حضرت به چه معناست؟

۵. چگونه بحث وقوع تشرفات به خدمت حضرت با توقیع علی بن محمد سمري (أَلَا فَمَنْ ادَّعَى الْمَشَاهِدَةَ قَبْلَ خُرُوجِ الشُّفِيَانِيِّ وَالصَّيْحَةِ فَهُوَ كَاذِبٌ) قابل جمع است؟

۶. شباهت‌های زیادی بین زندگی حضرت یوسف علیه‌السلام و امام عصر عجل الله تعالی فرجه الشریف وجود دارد. با مراجعه به تفسیر برهان، سوره مبارکه یوسف، دوازده شباهت را ذکر نمایید.

برای مطالعه بیشتر

- مکیال المکارم، آیت‌الله سید محمدتقی موسوی اصفهانی، انتشارات مسجد مقدس جمکران، قم.

- درسنامه تاریخ عصر غیبت، مسعود پور سید آقایی، محمدرضا جباری، حسن عاشوری، سید منذر حکیم، انتشارات مرکز جهانی علوم اسلامی، قم.

- نگین آفرینش، محمدمهدی حائری‌پور، مهدی یوسفیان، محمدمامین بالادستیان، مرکز تخصصی مهدویت، قم.